



کارکردهای نمدوبیت

دکتر عبدالحسین فخاری



مكتبة





کارکردهای نهادیت

دکتر عبدالحسین فخاری



سرشناسه: فخاری، عبدالحسین، ۱۳۳۶-

Fakari, Abdolhosein

عنوان و نام پدیدآور: کارکردهای مهدویت / عبدالحسین فخاری .

مشخصات نشر: تهران: نشر حلال، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۲۸۹-۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: مهدویت -- انتظار

Mahdism -- *Waiting

رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۲۲۳۷۰



نام کتاب: کارکردهای مهدویت

نویسنده: عبدالحسین فخاری

ناشر: انتشارات حلال

صفحه آرایشی: شیرین گوگانی

نظارت چاپ: مهفام گرافیک

لیتوگرافی: نقش آور

چاپ و صحافی: نقش آور

چاپ اول: سال ۱۴۰۲

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۲۸۹-۴-۱

تلفن مراکز پخش: ۲۲۸۹۸۴۲۵ - ۶۶۴۲۴۱۱۳ - ۶۶۴۰۸۴۴۱

فہرست

- مقدمہ ۹
۱. تحکیم باور توحید ۱۳
۲. تقویت روح امید ۱۶
۳. جہادِ انتظار ۱۹
۴. ایمان و یقینِ متعالی ۲۲
۵. احساس حضور ۲۵
۶. اہتمام بہ یاوری ۲۸
۷. مرزبانی دینی ۳۱
۸. یاورپروری ۳۴
۹. خدمت بہ مردم ۳۷
۱۰. تبلیغ و دعوت ۴۱
۱۱. اہتمام بہ دعا ۴۴
۱۲. پیوند با محبوب ۴۷
۱۳. خودسازی و تہذیب ۵۰
۱۴. علم افزایی ۵۳
۱۵. زمان آگاہی ۵۵
۱۶. رجوع بہ راویان ۵۷
۱۷. تحریف زدائی ۶۰
۱۸. اہتمام بہ وحدت ۶۳
۱۹. معیشت پاک ۶۶
۲۰. حفظ اموال امام ۶۹



۷۲	۲۱. همراه با وکالت
۷۵	۲۲. نوسازی بیعت
۷۹	۲۳. اجتماعات مهدوی
۸۲	۲۴. با منجی باوران
۸۵	۲۵. توان افزایی
۸۸	۲۶. اقدام به مهاجرت
۹۱	۲۷. فسادستیزی
۹۴	۲۸. ایستادگی
۹۷	۲۹. التزام به شریعت
۱۰۰	۳۰. نظارت عمومی
۱۰۳	۳۱. عرض اعمال
۱۰۶	۳۲. توسل و تمسک
۱۰۹	۳۳. اوقاف مهدوی
۱۱۲	۳۴. عمل به نیابت
۱۱۵	۳۵. شور حسینی
۱۱۸	۳۶. احسان و نذر
۱۲۱	۳۷. هم افزایی
۱۲۴	۳۸. نظم و قانون
۱۲۷	۳۹. رسانه شناسی
۱۳۰	۴۰. رفاقت با امام

مقدمه

می‌گویند «اعتقاد به مهدویت» صرف‌نظر از جایگاهش در باورهای دینی، چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی باورمندان دارد؟ به عبارت دیگر اگر افراد و جوامعی بدان معتقد باشند، از چه مزایایی برخوردارند که اگر معتقد نباشند، از آن مزایا محروم‌اند؟ این باور، چه کارکردهایی دارد؟ چه نقشی در حیات فردی و حیات اجتماعی دارد؟

این پرسش‌ها به نوعی، به يك سؤال بسیار قدیمی باز می‌گردد و آن این است که اصولاً فایده امام غائب چیست؟ امامی که حضور فیزیکی در جامعه ندارد چگونه می‌تواند در آن جامعه تأثیرگذار باشد و مردم چگونه می‌توانند از ایشان بهره ببرند؟ طرح کارکردهای مهدویت، يك نگاه جامعه‌شناختی هم محسوب می‌شود یعنی در مقایسه دو وضعیت فرد (اعتقاد به مهدویت یا عدم آن)، سلوك فرد چگونه خواهد بود چنان که در اجتماع نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد که جامعه باورمند به مهدویت، چه تفاوت‌های شهودی با جامعه ناباورمند دارد.

این سؤال، مبنای نگارش این نوشتار است و امید است بتوان پاسخی در خور برای آن ارائه نمود و البته ممکن است دارای کاستی‌هایی باشد که نیازمند هم‌افزایی جمعی و یاری فرهیختگان است و از آنجا که نسل معاصر بیشتر کارکردگراست و می‌خواهد نقش یا تأثیر يك باور را در زندگی فردی و جمعی بشناسد و در مقایسه با سایر باورها اندازه‌گیری

نماید و در يك مطالعه تطبیقی، محاسن و معایب هريك را برابرهم بنهد و بعد به گزینش پردازد لذا ضرورت بحث، بیشتر خود را نشان می دهد. تا آنجا که نویسنده تحقیق نموده تنها چند مقاله پیش تر در موضوع کارکردهای مهدویت در قالب رساله های پژوهشی حوزه نگاشته شده بود که بعضی زوایای بحث را مورد کاوش قرار داده بودند که از آن ها در این نوشتار کم و بیش استفاده شده اما به لحاظ نگاه جامع لازم آمد که موضوع بهتر تشریح و در بعضی مواضع نظریه پردازی شود.^۱

لازم است توضیح داده شود که واژه کارکرد در این نوشتار به معنای اثر و نقش، فایده، انگیزه، غایت، نتیجه و حاصل، تأثیر و... است و منظور آثار و نقش و فواید فردی و اجتماعی است که اندیشه مهدویت در زندگی و رفتار می گزارد. به عبارت دیگر بررسی می شود که چه ابعادی از اندیشه مهدویت و ارزش های برآمده از آن، در رفتار و زندگی باورمندان تأثیرگذار است و نتایجی را به دنبال می آورد که از دید ناظران و پویشگران اجتماعی مهم به شمار می آید که اگر به آن باورمند نبودند آن تأثیرات به وجود نمی آمد. بنابراین واژه کارکرد می تواند هم معادل واژه فانکشن (function) در ادبیات علوم اجتماعی به معنای اثر و نقش و غایت و فایده و نتیجه در نظر گرفته شود و هم معادل واژه رفتار (behavior) باشد به معنای سلوك، روش، طرز عمل و حرکت و رفتن باشد

۱. محمود ملکی راد؛ کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی، مشرق موعود، بهار ۹۷؛ و محمد رضا ضمیری، رحیم کارگر، محمود ملکی راد؛ کارکرد مهدویت در ارائه سبک زندگی اسلامی، اسلام و مطالعات اجتماعی، بهار ۹۸.

و در روانشناسی اجتماعی به نحوه گذران زندگی یا کنش‌های فردی و جمعی اطلاق شود.

نکته دیگر این که اندیشه مهدویت در کلیت این مطالعه، همان باور به منجی موعود و معادل موعودگرایی است که مختص فقط مسلمانان نیست و مشترکاتی با دیگر ادیان و اندیشه‌های بشری هم دارد. در واقع در ردیف سایر باورهایی قرار می‌گیرد که ممکن است دارای تأثیر مشترك در زندگی افراد و جوامع شود مثل باور به خدا، یا معاد یا عدم باور به آن‌ها؛ که هر کدام موجب کارکردها و تأثیراتی در حیات فردی و اجتماعی شود؛ و این البته بر اساس تفسیرهایی است که مورد نظر پژوهشگران از آن واژه‌ها یا باورها باشد. در هر صورت نویسندگان این سطور امیدوار است بر مبنای تفسیرهایی که از این اندیشه ارائه می‌دهد بتواند کارکردها را بررسی نماید و البته مثل هر کار علمی دیگر مصون از نقص و نقد نیست و نیازمند یاری اهل نظر برای تکمیل و بالندگی افزون‌تر است و توفیق از خداست و ان شاء الله مورد توجه و عنایت صاحب‌مان قرار گیرد.

۱. تحکیم باور توحید

نخستین کارکرد اعتقاد به ظهور منجی، اعتماد به قدرت لایزال خداوندی است که قادر است و می‌تواند يك منجی را ظاهر نموده و او را بر همه قدرت‌های استکباری و ستم‌گستر غلبه دهد و عدالت را توسط او حاکم نموده و جهانی نوبر اساس عدالت، مهر، ایمان، امان، رفاه، دوستی و صلح را جایگزین جامعه سرشار از ظلم، تباهی، فقر، تبعیض، شرارت و فساد نماید. کسی که به این باور معتقد باشد، به باور خالصی از معرفت الاهی رسیده است. خداوند در قرآن حکایت می‌نماید که یهود می‌گفتند دست خداوند بسته است یعنی نمی‌تواند تغییری در اوضاع جهان بدهد و سر رشته امور بعد از خلقت جهان از دست او خارج شده است و همه کاره جهان فعلاً بشر است و قدرت الاهی محدود شده و به تعبیر آن‌ها دست قدرت الاهی، مغلول و بسته است.

در پاسخ این عقیده سخیف، پاسخ خداوند پس از نقل باور آن‌ها این است که دست خودشان بسته باد! همانا دستان خدا باز است و هرگونه که بخواهد می‌تواند ببخشد و انجام دهد: «قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ»؛ یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هایشان بسته باد و به سزای این گفتار، از لطف خدا دور شوند. بلکه دست (قدرت) خدا گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌نماید. بنابراین باور

خالص توحیدی، دست خداوند در ایجاد هر تقدیر و تغییری از جمله تحول جهان با ظهور منجی، باز است و هر کس دست خدا را بسته بداند تفکرش در توحید، ناقص بلکه انحرافی است.

متأسفانه این تفکر ناقص و انحرافی که قرآن کریم به یهود نسبت می‌دهد در افکار بعضی از فلاسفه هم رسوخ کرده و گفته‌اند جوهر قلم تقدیر، خشک شده و تا روز قیامت توسط خداوند تغییری در عالم تکوین از سوی او انجام نخواهد گرفت (جَفَّ الْقَلَمُ بَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)؛ همان‌طور که در آیه بالا مشاهده شد، خداوند آن‌ها که دست او را بسته می‌دانند، لعنت نموده و فرموده دستان خودشان بسته باد، چنین نیست که آن‌ها گفته‌اند بلکه دستان خدا باز است؛ کنایه از این که قدرت الهی در همه امور جهان، فراگیر است و خداوند پس از خلقت جهان، به اصطلاح بازنشسته نشده و از کار، برکنار نگشته و همچنان قادر است هر تحولی که بخواهد از جمله تحول ظهور منجی و شکست مفسدان و ایجاد حکومت صالحان را انجام دهد و هیچ‌یک از قدرت‌های بشری نمی‌تواند مانع تحقق این تغییر بشود. بنابراین، باور و اعتماد به قدرت الهی و پشتگرم بودن به آن و دست خدا را بسته ندانستن از کارکردهای منجی باوری است.

یکی از نتایج این اعتقاد که خداوند همواره در کار تدبیر و خالقیت جهان است و هرگز از امور جهان منعزل و بازنشسته نشده و مالك و قيوم و قادر على الاطلاق جهان است و بداء و تغییر در اختیار اوست، این می‌شود که باب دعا و درخواست

از او برای انسان‌ها گشوده می‌شود؛ زیرا اگر خدا قادر به تغییر در امور آفرینش از جمله استجابت دعای بشر نباشد، دیگر درخواست از او معنی ندارد و بلکه لغو و بیهوده است. خدایی که قادر به استجابت دعاها نباشد، دعا و درخواست از او، امری بی‌معناست. وقتی خدا را قادر و مدبر و قیوم هستی بدانیم، می‌توانیم از او بخواهیم که امور ما را با ظهور منجی اصلاح فرماید، شرایط جهان را تغییر دهد، ظالمان را از صحنه قدرت، کنارزند و دیگر نیازهای ما را برآورد و اگر این باور را نداشته باشیم و خدا را منعزل و بازنشسته فرض کنیم هرگز دعا نمی‌کنیم چون او را قادر برای انجام و استجابت دعای خود ندانسته و تقاضایی از او نمی‌کنیم. بنابراین باور به ظهور منجی، برآمده از اصیل‌ترین قرائت از معرفت الهی و دانش توحیدی است که موجب اعتماد به قدرت خدا برای تغییر جهان است...

۲. تقویت روح امید

دیگر کارکرد باور به ظهور منجی، تقویت روح امید در بشر برای رقم خوردن آینده‌ای بهتر و مطلوب‌تر است. امید، از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین ویژگی‌ها و سرمایه‌های بشر است که فقدان آن در انسان، منجر به خطرناک‌ترین وضعیت روحی و روانی در او می‌شود. با امید است که افراد، رنج‌های گوناگون را برای رسیدن به موفقیت تحمل می‌کنند؛ با امید است که مادری فرزندش را شیر می‌دهد و رنج پرورش او را تحمل می‌کند تا این فرزند در آینده موجب روشنی چشم او و یاور او شود؛ با امید است که فردی سال‌ها کار می‌کند و پس‌انداز می‌نماید تا روزگاری صاحب خانه و اتومبیل و لوازم زندگی شود؛ با امید است که باغبان نهالی می‌کارد تا چندسال بعد درخت پر محصولی داشته باشد؛ با امید است که فردی سال‌ها می‌نویسد تا روزی نویسنده سرشناسی شود؛ امید، موتور متحرك، زندگی است؛ اگر مشعل امید در جان يك انسان خاموش شود و آینده را سیاه و تاریک و بدون حتی کورسوئی از نور ببیند، دیگر دوست ندارد زندگی را ادامه دهد. امید، فقط یک حس خوب نیست، بلکه سیستم انگیزش شناختی پویایی است که بر اساس آن، احساسات و اعمال به دنبال آن حرکت می‌کنند و فرد را به جلو می‌رانند. تحقیقات فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهند اهداف یادگیری و تلاش، به‌طور مثبتی در گستره‌ای از زندگی انسان، از دستاوردهای علمی و ورزشی و هنری گرفته تا کسب و کار،

با امید به موفقیت در ارتباط هستند. بنابراین امیدواری یکی از ساز و کارهای حیات و زندگی آدمی است. امید تحفه‌ای الهی است که چرخ زندگی را به گردش می‌آورد و موتور تلاش و انگیزه را پرشتاب می‌کند. اگر روزی امید از انسان گرفته شود، دوران خمودی و ایستایی او فرا می‌رسد. امیدوار بودن، هنری است که باید همگان به خصوص نسل پویای جوان آن را فراگیرند.

امید در فرهنگ دینی آن چنان مهم است که ناامیدی، گناهی بزرگ در حد کفر شمرده شده است: خداوند متعال در آیه ۸۷ سوره یوسف از زبان حضرت یعقوب در این رابطه فرموده است: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» یعنی جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود؛ و نیز در آیه ۵۳ سوره زمر فرمود: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ بگوای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است؛ که این آیه امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن و سرشار از روح امیدواری است. حال می‌گوئیم منجی باوری به معنای امیدواری به تحقق آینده‌ای روشن و زیبا و رشک برانگیز، پمپاژ روح امید به جان انسان‌های معتقد است که در شرایط سخت و دشوار زندگی، این امیدواری در جان آن‌ها، توان مقاومت و پایداری ایجاد می‌کند تا هجوم مصائب و رنج‌ها، فرونریزند و نشکنند و راه را با قدرت ادامه دهند.

این امیدواری وقتی محکم‌تر و پر قدرت‌تر می‌شود که بدانند این امید به خاطر وعده حتمی خداوند است لذا بدون پشتوانه و ضمانت نیست و حتماً انجام خواهد شد؛ زیرا در قران، خداوند این چنین وعده داده است که: «ما اراده کردیم بر مستضعفان منت نهیم و آنان را پیشوایان زمین قرار دهیم» و نیز «عاقبت، پرواپیشگان را میراث بران زمین قرار می‌دهیم». این وعده‌ها از سوی خدا به مردم داده شده و «خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند» (إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ). اگر امید، همچون خون، در رگ‌های زندگی، حیات و نشاط می‌دمد، هر عاملی که این امید را روشن نگاه می‌دارد، ارزشمند و حیاتی است و عنصری چون باور به آینده روشن برای جهان و انسان‌ها با ظهور منجی و وعده و حمایت خداوند از او، کارکردی فوق‌العاده را برای بشریت رقم خواهد زد.

۳. جهادِ انتظار

شگفت است که «انتظار گشایش از سوی خداوند» در امور فردی و اجتماعی، به قدری مهم شمرده شده که برترین عبادت نام گرفته است تا آنجا که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۱ به راستی چرا انتظار فرج و گشایش از سوی خداوند تا بدین حد، مهم و با فضیلت شمرده شده است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این سؤال در کارکرد بسیار بالای «انتظار» در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد. انتظار، چشمداشت و بلکه چشم به راهی است و وقتی این چشم به راهی برای عنایت و گشایش از سوی خداوند باشد، فرد را فردی الهی می‌کند که جز به خدا به منبع دیگری چشمداشت ندارد و همه تغییرات و تحولات و گشایش‌ها را از ناحیه خدا می‌داند و نومید هم نیست بلکه امیدوار است که خداوند گشایش را برای او کارسازی نماید. لذا چنین فردی با این انتظار، خود را به منبع قدرت و کمال متصل می‌کند و از دریوزگی و گدایی نزد دونان و حقیران دور می‌نماید. این استغنا از غیر و توکل به خدای قدیر، نهایت درجه اعتماد به خدا و فضل اوست که با «انتظار فرج» تشخیص می‌یابد. «جامعه منتظر» نیز جامعه شریف و برتری است که فقط به خدای متعال، چشم دوخته و هرگونه گشایشی را فقط از ناحیه او می‌داند و چشم به راه فرج فقط از پروردگار جهان است و لا غیر. شگفت‌تر آن که

۱. کمال‌الدین ۱/۲۸۷؛ ج ۱، ص ۲۸۷.

پیامبر ﷺ، این انتظار فرج را «یک جهاد بلکه برترین جهاد» شمرده و فرموده است: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۱ با فضیلت‌ترین جهاد امت من، انتظار فرج است! جهاد با چه دشمنی؟ جهاد با دشمن ناامیدی و یأس و دشمنی با اتکال به غیر خدا؛ پس انتظار، برترین جهادهاست؛ چرا که از معرفتی عمیق در توحید، برمی‌خیزد و صاحب این معرفت، هر خیر و گشایشی را تنها از خداوند، چشم دارد و به توحیدی خالص دست یافته است.

اما به طور خاص، وقتی انتظار فرج و گشایش امور به دست منجی موعود - که از اهل بیت پیامبر ﷺ است - می‌رسد، این انتظار اهمیت بیشتری می‌یابد تا آنجا که فرموده‌اند: «وَالْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ یعنی کسی که در انتظار برپائی دولت ما باشد همچون کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد! طبیعی است دست‌یابی به انتظاری چنین با ارزش از کوچه ایمان و صبر و استقامت در راه عقیده می‌گذرد که شایسته چنین مقامی می‌گردد. امام رضا علیه السلام فرمود: «چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرمود: چشم به راه باشید که من نیز با شما چشم براهم و فرمود: منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم؟! پس بر شما باد که صبر کنید که فرج پس از یأس و نومیدی می‌آید و پیشینیان شما از شما صابرتر بودند»^۳.

۱. تحف العقول/ ۳۷.

۲. خصال/ ۲/ ۶۲۵.

۳. کمال‌الدین ۶۴۵/۲: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَازْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَأَنْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ».

کارکرد چنین باور متعالی، ساختن انسان‌ها و جامعه‌های بردبار و صبور است؛ رسیدن به درخواست‌های مهم و وصول به آرمان‌های سترگ، با شتابزدگی و بی‌تحملی و ناصبری سازگار نیست. در کوران مشکلات، این صبورانند که پیروز می‌شوند و عجزولانند که خود را بی‌گدار و بی‌تدبیر به هلاکت می‌افکنند و به نتیجه نمی‌رسند. سیره امامان ما نشان داد که گاهی با صبر بیست و پنج ساله حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و گاهی با صبر بر صلح تحمیلی حضرت مجتبی علیه السلام و صبر بر مصائب سیدالشهداء و آل‌الله علیهم السلام و سایر امامان، این آئین پایدار مانده و به ما رسیده است و در سایه این صبوری و انتظار فرج بوده که مکتب، اعتلا یافته و جاودانه شده است. این است کارکرد بسیار مهم انتظار فرج در حفظ و جاودانگی مکتب آل‌الله و پیروان صادق‌شان در طول تاریخ.

۴. ایمان و یقین متعالی

باور به منجی آخرالزمان، انسان باورمند را به درجه متعالی از ایمان و یقین می‌رساند. او نه منجی را دیده و نه بشارت دهنده به منجی را، اما در عین حال به هردو ایمان پیدا کرده است و این، نشان از ایمان و یقین بالای او دارد. پیامبر خدا ﷺ در یک پیشگویی جالب در مورد این باورمندان فرموده است: «یا علی! شگفت‌ترین مردم از جهت ایمان، و عظیم‌ترین ایشان از جهت یقین گروهی هستند که در آخرالزمان زیست می‌کنند، زیرا ایشان به دیدار پیامبر موفق نشده‌اند، و حجت نیز از ایشان غائب است، ولی ایشان به نوشته‌ای (کتاب‌های روایات معصومین که به ایشان رسیده است) ایمان آورده‌اند». یعنی این مردم به چنان درک و تعقل والائی دست می‌یابند که بر اساس شواهد و مکتوباتی که به آن‌ها رسیده، به پیامبر و امامانی که ندیده‌اند، ایمان می‌آورند و به وجود آن پیشوایان غائب، یقین می‌نمایند.

پیامبر اکرم ﷺ در سخنی دیگر در توصیف این افراد، آن‌ها را برادران خود می‌خواند: ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی در جمعی از اصحاب خود دو بار فرمود: خداوندا! برادران مرا به من بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه! شما اصحاب من می‌باشید، برادران من

۱. من لا یحضره الفقیه ۴/۳۶۶: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ ثَوَابًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»

مردمی در آخرالزمان هستند که به من ایمان می آورند، با این که مرا ندیده اند. خداوند آن ها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آن که از صلب پدران و رحم مادران شان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آن ها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است. و یا مانند کسی است که پاره ای از آتش چوب درخت «غضا» را در دست نگاه دارد. آن ها چراغ های شب تاری می باشند، پروردگار آنان را از هر فتنه تیره و تاری نجات می دهد»^۱.

این توصیفات شگفت مربوط به کسانی است که در آخرالزمان، به وجود حجت غائب و منجی موعود معتقد می شوند و این باور از آنان شخصیتی می سازد که پیامبر خدا ﷺ آن ها را برادر خود می خواند و آرزوی دیدار آنان را می نماید و ایمان و یقین متعالی آنان را می ستاید و ایشان را چراغ های شب تاری می خواند که خداوند به خاطر این ویژگی ها، از هر فتنه تیره و تاری نجات می دهد. این کارکرد بسیار درخشان باور مهدویت است که باورمندانش را بدین پایه از مقام می رساند که حقیقتاً رشک برانگیز است.

در توصیف تعقل و تعمق بالای این معتقدان آخرالزمان، روایت شگفت دیگری از امام سجاد علیه السلام نقل شده که بسیار جالب است. از آن حضرت در مورد توحید سؤال شد، فرمود: «خدای عزوجل می دانست که در آخرالزمان مردمی محقق و موشکاف خواهند آمد. بدین خاطر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و

آیات سوره حدید را که آخرش «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» است را نازل فرمود، پس هر که برای خداشناسی غیر از این بجوید هلاك است.^۱ یعنی این تعمق و تعقل بالای انسان‌های آخرالزمان است که آنان را شایسته معرفت‌های متعالی از مجموعه معارف الاهی می‌نماید لذا استفاده از تعقل و تعمق در مبانی معرفتی، می‌تواند چنین جایگاه بلندی را برای منتظران موعود، رقم زند.

۱. التوحید/۲۸۳: سئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلِيمٌ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى قَوْلِهِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخَيِّبُ وَ يُبَيِّتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ أَفَمَنْ رَامَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَدْ هَلَكَ.

۵. احساس حضور

آنان که به مهدی موعود باور دارند، مطابق باور امامت او را ناظر بر اعمال شان می‌دانند و لذا حضور معنوی او را احساس می‌کنند و کارکرد این باور این می‌شود که در محضر او خطا نکنند و رفتارهایی انجام دهند که مورد رضایت او باشد. بر مبنای باورهای شیعی امام زمان در هر عصر و زمان، ولایت امت خویش را برعهده دارد و جانشین خدا در بین آنان است. مسئولیت رسیدگی به اعمال آن‌ها و وضع دنیوی و اخروی شان برعهده ولی خداست.

قرآن در بعضی از آیات خود به این موضوع اشاره کرده است که: خدا و رسول و مؤمنین شاهد و ناظر بر اعمال ما هستند: «بگو: عمل کنید که خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد».^۱

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود: «آنان، امامان معصوم هستند».^۲ علامه طباطبایی در تفسیرش گوید: هر عملی که انسان انجام می‌دهد، از خیر یا شر، خدا و رسول و مؤمنان (که مصداقش امامان معصوم‌اند) حقیقت عمل خیر یا عمل شر را مشاهده می‌کنند.^۳ مراد از دیدن هم،

۱. توبه: ۱۰۵: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

۲. بحار الأنوار ۳۵۳/۲۳.

۳. المیزان ۹/۳۹۸.

مشاهده حسی نیست، بلکه مراد علم و آگاهی اوست که از طریق خداوند صورت می‌گیرد و عرضه اعمال در روز خاص به امام هم، رویت و دیدن حسی نخواهد بود، بلکه به معنای آگاهی از اعمال است، زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان امامت خود واسطه فیض الهی و رابط خلق و خالق است. تمام عنایات و الطاف الهی به جهانیان به وساطت و برکت وجود آن حضرت جاری می‌شود. لازمه این که این وساطت به بهترین وجه تحقق پذیرد و در شرایط لازم، فیوضات مقتضی به بندگان برسد؛ این است که حضرت از افعال بندگان با خبر باشد.

از برخی روایات دیگر استفاده می‌شود که پیامبر و امامان از اعمال همه امت آگاه می‌شوند، یعنی خدای متعال از راه‌های خاصی اعمال امت را بر آن‌ها عرضه می‌کند. خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در توقیعی می‌فرمایند: «به اخبار شما علم داریم. هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از لغزش‌ها و کاستی‌های عملکر شما آگاه هستیم. چیزی بر ما پوشیده نمی‌ماند.»^۱ بنابراین، معلوم می‌شود که حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین خلیفه الهی روی زمین از راه‌های مختلف نظیر عرضه نامه اعمال و یا احاطه علمی و دانشم‌حیطش، بر عملکرد مردم نظارت دارد و به اذن الهی می‌داند که چه کسی چه کاری انجام می‌دهد.

این باور در معتقدان به مهدویت، احساس حضور در پیشگاه امام می‌بخشد و این احساس حضور کارکرد

۱. بحار الأنوار ۵۳/۱۷۵. «فإننا يحيط علمنا بآبائكم، ولا يعزب عنأ شي من أخباركم و معرفتنا بالزلل الذي اصابكم».

بسیار بالایی دارد. انسان حتی در حضور يك كودك هم مراقبت‌هایی دارد و هرکاری را انجام نمی‌دهد چه رسد در حضور خلیفه الله و منجی موعود و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. البته این احساس حضور بر اساس معتقدات شیعی است و در مورد منجی در ادیان و مکاتب دیگر سابقه ندارد. این مزیت مورد مباحثات است و کارکردش در تهذیب نفس و شتاب در امور خیر، بسیار مؤثر و خیره‌کننده است.

۶. اهتمام به یآوری

آیا کسی که از سویدای دل، به منجی موعود معتقد و دلبسته است، خود را برای یاری او و اهدافش آماده نمی‌کند؟ آیا گامی اگرچه کوچک برای نصرت او بر نمی‌دارد؟ مگر او را دوست نمی‌دارد؟ مگر او را گره‌گشای همه مشکلات و بحران‌های جهان نمی‌داند، چطور در برابر نصرت خواهی او جوابی نمی‌دهد؟ اگر کسی دوستش را در شرایط ناگوار ببیند که از او کمک خواسته، هیچ اقدامی نمی‌کند؟ می‌شود که او ندای «هل من ناصرینصرنی» منجی عدالت گسترش را بشنود و به یاری او بر نخیزد؟ نه! رادمردان و راد زنان منتظر موعود، به یاری منجی خود می‌شتابند. این دعای آنان است هماره و در همه شرایط که: خدایا مرا از یاوران و کمک‌کنندگان به او قرار بده (اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ...).

کارکرد اعتقاد مهدویت و منجی باوری، تلاش برای زمینه سازی ظهور او و آماده بودن برای نصرت اوست. نمی‌شود کسی منتظر مصلح باشد و خود در جهت صلاح و اصلاح، قدمی بر ندارد؛ منتظران مصلح عدالت گستر باید خود را یاورانی صالح گردانند تا سنخیت و شباهتی با منجی مصلح خود داشته باشد. حال سؤال این است که یاور منجی چه کسی است؟ پاسخ این سؤال در دعای عهد که پیمان صبحگاهی منتظران با ساحت قدسی مهدوی است بیان شده است: «خداوندا! مرا از انصار و یاران و مدافعان حضرتش قرار ده و آنان که از پی انجام حوائج (و فرامینش) می‌شتابند

و اوامرش را امتثال می‌کنند، و نیز از حمایت‌کنندگان و سبقت‌گیرندگان در جهت تحقق خواست او، و شهدای در رکاب حضرتش بگردان» (اللهم اجعلنی من انصاره و اعوانه، و الذابین عنه، و المسارعین الیه فی قضاء حوائجه، و الممثلین لاوامره، و المحامین عنه، و السابقین الی ارادته، و المستشهدین بین یدیه).^۱

شاهد ما عبارت «مدافعان» و «سبقت‌گیرندگان در اطاعت فرامین او» و «حمایت‌کنندگان از او» است. یاوران امام عصر ارواحنا فداه، مدافعان او و حمایت‌کنندگان از او در برابر دشمنان اوست. امروز در جبهه فرهنگی، مخالفان و دشمنان آن حضرت در فضای حقیقی و مجازی چه کسانی هستند؟ مدافعان امام باید حرکات این مخالفان را رصد کنند و هر جا که لازم است به دفاع از امام و حمایت از او و اهداف و آرمان‌های او برخیزند.

نکته دیگر، شتابندگان به اجرای دستورات او بلکه سبقت‌گیرندگان در اطاعت از دستورات اوست. ممکن است گفته شود، او که ظاهر نیست تا اوامری صادر کند که یاورانش انجام دهند و بریکدیگر در اجرای آن اوامر سبقت گیرند؛ می‌گوییم: اوامر او مشخص است: هدایت انسان‌ها به راه خدا، رسیدگی و دستگیری از مردم، مقابله عالمانه با دشمنان و مخالفان و شبهه‌پراکنان، معرفی امام و اهداف او به بی‌خبران و ناآگاهان و...

۱. دعای عهد، مفاتیح الجنان؛ بحار الأنوار ۹۶/۵۳.

باید توجه داشت که منظور از یاران حضرت فقط یاران هنگام ظهور یعنی آن ۳۱۳ سیزده فرمانده و آن ده هزار سلحشوران نیست بلکه همه کسانی است که از آغاز امامت ایشان تا هنگام ظهور، با قلم و زبان و مال و تلاش و حمایت و اطاعت از فرامین و تبلیغ و تربیت و هدایت، ایشان را یاری می‌کنند. مسلم است که یآوری هم فقط در سخن نیست بلکه باید در عمل باشد و گرنه بسیار کسان ادعای یآوری دارند اما در عمل، غائب اند و اهل همت و اقدام و تلاش نیستند. آن امام همام همچون نیای بزرگوارش امام حسین علیه السلام، کم یاور است و ضروری است ندای «هل من ناصر»ش را لبیک گویانی باشند و او را به خصوص در عصر غیبت، یآوری کنند.

۷. مرزبانی دینی

اگر قرار است منجی موعود، دین را برفراز بدارد، پس معتقدان به او و یاوران او باید این دین را در برابر هجمه‌های بیشمار معاندان، حفظ نمایند. مرزبانی از برج و باروهای دین و دفاع از کیان دین و آئین، از کارکردهای انتظار و از ضروریات اعتقاد به مهدویت است. مرزبانی و مرابطه يك دستور قرآنی است که بر همه مؤمنان، فرض است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ (ای مؤمنان! صبر و استقامت ورزید و در برابر دشمنان، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و تقوا پیشه نمایید امید است رستگار شوید) سه دستور «اصبروا» و «صابروا» و «رابطوا» در کلام امام باقر و امام صادق علیهما السلام این‌گونه تفسیر شده است: مراد از «اصبروا»، شکیبایی بر انجام واجبات و مراد از «صابروا»، صبر و شکیبایی در برابر دشمنان، و مراد از «رابطوا»، مراقبت و محافظت از امام منتظر است.^۲

مرباطه، مرزبانی، مراقبت و حفاظت از امام، در واقع اطاعت از فرمایشات او و در حقیقت، حفاظت از دین و قرآن، مورد نظر است چون حفظ امام، حفظ دین و قرآن است. چه کسانی باید این مرزبانی را انجام دهند؟ در درجه اول، عالمان و در درجه دوم همه مؤمنان باید به سهم خود در این مرزبانی شرکت نمایند؛ چون خطاب آیه به همه کسانی

۱. آل عمران: ۲۰۰.

۲. نعمانی، الغیبة/۲۷؛ الکافی/۸۱/۲.

است که ایمان آورده‌اند. امام صادق علیه السلام در مورد مرزبانی عالمان می‌فرماید: «علمای شیعه ما مرزداران هستند که بر مرزهای ایمان مردم و در برابر ابلیس و پیروانش به مرزداری می‌پردازند و آن‌ها را از هجوم به ضعفای شیعه باز می‌دارند و شیعه را از تسلط ابلیس و یاران ناپاکش محفوظ و مصون نگاه می‌دارند آگاه باشید آن کس از شیعیان که چنین وظیفه‌ای را به عهده می‌گیرد هزار هزار مرتبه برتر از مجاهدانی است که با (دشمنان آن روزگار اسلام) روم و ترک و خزر جهاد می‌کنند چون او از دین محبان ما دفاع می‌کند و دیگری از بدنهای ایشان»^۱.

امام هادی علیه السلام هم در همین موضوع می‌فرمایند: «اگر نه این بود که پس از غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله برخی از علما وجود دارند که به سوی او دعوت می‌کنند و مردم را به حضرتش سوق می‌دهند و از دینش با استدلال‌های الهی حمایت می‌کنند و ضعیفان از بندگان خدا را از افتادن در دام ابلیس و یارانش، رهایی می‌بخشند پس به تحقیق هیچ‌کس نمی‌ماند جز این‌که از دین خدا برمی‌گشت؛ ولی آن عالمان زمام قلوب ضعفای شیعه را می‌گیرند همان‌گونه که ناخدای کشتی، سگان و فرمان کشتی را می‌گیرد. پس آن‌ها نزد خدای عزّوجلّ از همه برترند»^۲.

۱. احتجاج ۲/۱۸؛ بحار الأنوار ۲/۵.

۲. بحار الأنوار ۵۱/۱۵۶؛ (لولا من یبقی بعد غیبة قائمکم من العلماء الداعین الیه، والدالین علیہ، والدابین عن دینہ یحجج الله، و المنقذین للضعفاء من عباد الله من شباک ابلیس و مردّته، لما بقی أخذ إلا ارتد عن دین الله. و لکنهم یمسکون أزمّة قلوب الضعفاء الشیعة كما یمسک صاحب السفینة سکنها، أولیک هم الأفضلون عند الله عزّوجلّ).

مرزبانی دینی در همه دوران‌ها لازم است و در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم‌تر است چون مسلمانان همچون یتیمانی هستند که پدرشان پیش آن‌ها نیست و دیده نمی‌شود لذا گرگ‌ها جسارت و طمع بیشتری برای حمله به آن‌ها پیدا می‌کنند؛ در این هنگام است که مرزبانی دینی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند و مرزبان مسئولیت افزون‌تری دارند. امام عسکری علیه السلام به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سخت‌تر از یتیم جدا شده از پدر، یتیمی است که از امامش جدا شده و توانایی دستیابی به وی را ندارد و حکم امامش را درباره مسائل دینی مورد ابتلا نمی‌داند. آگاه باشید هر فرد ناآگاه به شریعت ما که از دیدار ما محروم است یتیمی است که در دامن عالمان شیعه جای دارد. آگاه باشید، هرکس وی را هدایت و راهنمایی کند و شریعت ما را به وی بیاموزد، در مقام رفیق اعلی با ما خواهد بود.^۱

۱. بحار الأنوار (۱۷۱/۱۰۵)؛ احتجاج ۱/۶۶.

۸. یاورپروری

منتظران مهدی موعود نه تنها خود به یاوری امام، قیام می‌کنند بلکه در جهت ازدیاد یاوران برای آن حضرت تلاش می‌نمایند از طریق دعوت‌ها و معرفی ویژگی‌ها و بیان کمالات و مهربانی‌ها و دستگیری‌های ایشان از مددخواهان در طول دوران غیبت، مهر آن حضرت را در قلوب افراد وارد می‌کنند و کم‌کم آن‌ها را وارد جمع یاران می‌نمایند. هرچه حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجالس دینی و کلاس‌ها و فضای مجازی، بیشتر معرفی شود، افراد زیادتری به جمع علاقه‌مندانش افزوده می‌شود. در این زمینه می‌توان از کتاب‌هایی که شرح تشرفات افراد مختلف به محضر امام و دستگیری‌ها و عنایات و کرامات حضرت است، استفاده نمود یا از کتاب‌هایی که شرح ویژگی‌ها و کمالات آن حضرت که در اسما و القاب و معجزات ایشان آمده است بهره برد و آن‌ها را در شکل متون خواندنی در جلسات درسی و تبلیغی و مناسبت‌ها و نیز در فضای مجازی منتشر نمود.

يك زمینه بسیار مهم برای ازدیاد یاوران منجی موعود، کودکان و نوجوانان هستند. هم پدران و مادران در این زمینه مسئول هستند هم نهادهای آموزشی و تربیتی و هم نویسندگان و هنرمندان و اصحاب رسانه‌های گوناگون و خطیبان و مبلغان. هدف، تربیت نسلی است که بتواند میراث غنی تشیع و مشعل انتظار و مودت اهل بیت به‌ویژه خاتم الوصیین علیه السلام را پاس بدارد و توفیق همراهی و یاری

امام موعود خود را داشته باشد. بر این اساس، پرورش مهدوی کودکان و نوجوانان یا به عبارت دیگر، تربیت مهدی یاوران، کاری بسیار مهم است و ظرافت‌های خاص خود را دارد. طبیعاست آشناسازی فرزندان با این موضوع مهم، به فراگیری مهارت‌های لازم نیاز دارد. آموزش مفهوم انتظار و پاره‌ای از مفاهیم مرتبط با موضوع مهدویت، مانند طول عمر، پنهان بودن و انتظار طولانی، قدرت الهی و خلیفة اللهی با زبان ساده و داستانی و قابل فهم و متناسب با سن و درک آن‌ها نیاز به تخصص‌های ویژه هم از نظر محتوا و هم هنر ارائه دارد.

مقوله ازدیاد یاوران امام چنان از اهمیت برخوردار است که در دعاهای مشهور عصر غیبت مثل دعای «سلام الله الکامل» که در مفاتیح الجنان هم آمده، از خدا می‌خواهیم که انصار و اعوان (یاران و کمک‌کنندگان) حضرتش را افزون کند: «فَعَجَّلَ اللهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ»^۱ یعنی خداوند در فرج شما تعجیل نماید و آمدن تان را آسان گرداند و زمان ظهورتان را نزدیک فرماید، و بر یاوران و کمک‌کاران تان بیفزاید، و به آنچه به شما وعده داده وفا کند.

در موضوع یآوری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید توجه داد که هرکس می‌تواند یاور امام بشود. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مایل است جزو یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد، باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و اخلاق نیکو

۱. الکلم الطیب/۸۳؛ بحار الأنوار/۳۷۳/۹۸.

توأم شود» (مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ). نباید افراد بگویند ما کجا و یاور امام شدن کجا؟! و یا بگویند: ما لیاقت نداریم که یاور امام شویم و از این‌گونه سخنان؛ مطابق این سخن امام ششم علیه السلام، هرکه چشم به راه امام باشد و تقوی و محاسن اخلاق داشته باشد می‌تواند جزو یاران امام محسوب شود. آری، انتظار واقعی، تقوی، زیبایی‌های اخلاق می‌تواند از هر یک ما یک یاور منجی عالم بشریت بسازد و می‌دانیم که همین سه عنصر، می‌تواند چه تحولی در افراد و جامعه آنها ایجاد کند و این از کارکردهای مهم باور مهدویت است.

۹. خدمت به مردم

منتظران منجی موعود، به فرمان او در پی خدمت به مردم و برآوردن حاجات آنان اند؛ او خود به یکی از عالمان برجسته فرمود: «خودت را [برای خدمت] در اختیار مردم بگذار، و محلّ نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده، و حوائج مردم را برآور.»^۱ سبک زندگی مهدوی، بر مبنای کرامت و رفتارهای کریمانه است که برکات آن نه فقط جامعه منتظر بلکه همه بشریت را بهره‌مند می‌کند. افراد نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نیستند و تا آنجا که بتوانند به مردم خدمت می‌کنند، وقتی خود امام می‌فرماید: «ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.»^۲

پیروان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز وظیفه خود می‌شمرند که مردم را از یاد نبرند و مراعات احوال آنان را بکنند و به خدمت آنان برخیزند. بنابراین یکی از کارکردهای باور مهدویت، خدمت‌رسانی به مردم است.

روایاتی که با عنوان «قضای حاجت مؤمن» از آن یاد شده است، بسیار است و آن، فریادرسی به کسانی است که بی‌پناه و درمانده‌اند و به کمک ما نیاز دارند و از دست ما کاری برای

۱. «...أَرْخِضْ نَفْسَكَ وَ اجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيْزِ وَ اقْضِ حَوَائِجِ النَّاسِ»،
کلمة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / ۵۶۵.

۲. «... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِيْنَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَائِسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
الْأَوَاءُ وَ إِضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ» - الاحتجاج ۲ / ۴۹۵.

آنان ساخته است. کمترین خدمت، دعا برای آنان و آمرزش خواهی و استغفار برای آنان می باشد که خود امام فرمود: «اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هرکس روی زمین بود هلاک می گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است».^۱ جایگاه خدمت به مردم، جایگاه بلندی در دین ماست؛ در قرآن از زبان حضرت عیسی می خوانیم: «و مرا هر جا که هستم، پر برکت قرار ده».^۲ حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مقصود از این جمله آن حضرت این است که خدایا! مرا بسیار سودمند و نفع رساننده (به مردم) قرار بده».^۳

واژه «محسنین» در قرآن به معنی نیکوکاران است و کسانی که به کارهای نیک از جمله نیکی و خدمت به مردم می پردازند. خداوند متعال، چهار نوبت با صراحت، چنین اعلام می دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».^۴ یعنی خدا نیکوکاران را دوست می دارد؛ و در چهار آیه هم تأکید می نماید که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ».^۵ یعنی خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند؛ و نیز در مورد پاداش دنیایی و آخرتی آنان می فرماید: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ یعنی خداوند ثواب دنیا و بهترین پاداش آخرت را به آنها (یعنی محسنان

۱. «... لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا، إِلَّا خَوَاصَّ الشَّيْعَةِ الَّتِي تَشَبَّهُهٗ أَقْوَالُهُمْ أَفْعَالُهُمْ»؛ مستدرک الوسائل ۲۴۷، ح ۵۷۹۵.

۲. مریم: ۳۱.

۳. الکافی ۲/۱۶۵؛ بحار الأنوار ۱/۳۴۱.

۴. بقره: ۱۹۵؛ آل عمران: ۱۳۴ و ۱۴۸ و مائده: ۱۳.

۵. توبه: ۱۲۰؛ یوسف: ۹۰ و ۵۶؛ هود: ۱۱۵.

۶. آل عمران: ۱۴۸.

داد؛ (زیرا) خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد؛ و فرمود:
برای آنان هر چه بخواهند نزد پروردگارشان وجود دارد؛ این
است پاداش نیکوکاران: لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ
الْمُحْسِنِينَ^۱. کارکرد این احسان‌ها و نیکی‌ها، رفع حوائج
مردم توسط خودشان و رواج فرهنگ نیکوکاری است.

جالب است که خداوند در قرآن، اموری که فایده‌ای برای
مردم ندارد به کف‌های روی آب تشبیه می‌نماید که از بین
می‌رود اما امور مفید برای مردم ماندگار خواهد شد: آنچه به
سود مردم باشد پایدار و جاوید خواهد بود و آنچه سودمند
نباشد، مانند کف بر روی آب، بزودی از میان می‌رود و اثری
از آن باقی نمی‌ماند؛ خداوند متعال این چنین مثال می‌زند
(... فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي
الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ)^۲؛ پیامبر خدا ﷺ
فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ»^۳؛ بهترین مردم
کسی است که مردم از وجود او بهره‌مند شوند. امام رضا ﷺ
فرمودند: «خداوند را در روی زمین بندگانی است که در
برآوردن نیازهای مردم می‌کوشند، آنان در روز قیامت، ایمن
و آسوده‌اند»^۴؛ و حدیث معروفی که همه شنیده‌ایم که رسول
خدا ﷺ فرمودند: «هر کس صبح کند در حالی که به امور
مسلمانان بی‌اعتنا باشد، بهره‌ای از اسلام نبرده است و هر
کس شاهد باشد که کسی از مسلمانان کمک می‌خواهد، اما

۱. زمر: ۴.

۲. رعد: ۱۷.

۳. بحار الأنوار، ۲/۵۰.

۴. الکافی، ۲/۱۹۷.

پاسخی به او ندهد از مسلمانان نیست»^۱؛ و نیز فرمود: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مؤمنان از نظر مهرورزی و عطوفت نسبت به یکدیگر مانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن دچار دردی شود سایر اعضا (از راه تب و بیداری و ناراحتی) همدردی خود را با آن عضو ابراز می‌دارند و به کمکش می‌شتابند»^۲.

۱. بحار الأنوار ۲۱/۷۲.

۲. سفینة البحار ۱/۵۶.

۱۰. تبلیغ و دعوت

منتظران امام زمان و منجی عالم بشریت، در دوران غیبت، نه تنها از گروه بی تفاوت‌ها و گوشه‌نشین‌ها نیستند و بر رفتار گناه‌آلوده بندگان خدا و انحرافات جامعه خود بی‌خیال و بی‌احساس نمی‌گذرند، بلکه شب و روز در تلاش هدایت و دعوت دیگران به سر می‌برند و در پیدا و پنهان به کار تبلیغ فرهنگ ولایت و انتظار به بی‌خبران و غفلت‌زدگان اشتغال دارند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «منتظران ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... در پیدا و پنهان دعوت‌کنندگان به دین خدایند» (المنتظرون لظهوره... الدعاء الى دين الله سرا و جهراً)^۱. اما هنوز بسیار افراد هستند که اندیشه والا و گیرای مکتب اسلام و مهدویت به آنان معرفی نگردیده است؛ به خصوص غربیان شناخت درستی از موعود اسلام ندارند زیرا آشنایی جهان غرب با اسلام، عموماً به واسطه مقالات یا کتب مستشرقان بوده است؛ که خود اطلاع درستی از این مکتب آسمانی نداشته‌اند.

فرهنگ انتظار و پیام مهدویت محدود به جغرافیای خاص، فرقه، مذهب و... نیست بلکه مهدویت دارای طرح جهانی و در بستر تاریخ و همیشه زمان است. بنابراین باید زمان و اقتضائات آن را به‌طور جامع شناخت و با درک هویت مخاطب و جغرافیای فرهنگی آن، آیات قرآن و روایات را مورد بازخوانی بر حسب نیازهای جدید قرار داد. تلاش و کوشش

برای انتقال فرهنگ انتظار و پیام مهدویت با زبان قابل فهم دنیای کنونی امری ضروری می‌باشد. برای منتظران سخت است که مردم، موعود جهانی را شناسند لذا در دعای ندبه، فریاد برمی‌آورند که: «عزیز عَلَیَّ أَنْ أَبْکِیکَ وَ یُخْذَلْکَ الْوَرِیُّ» (مولای من... بر من دشوار است که بر تو بگریم اما دیگران تو را وا نهند و در فراق تأسس تأثر و اندوه نکنند) لذا برای خود برنامه‌ریزی می‌کنند که به‌طور منظم در فضای حقیقی و مجازی به معرفی منجی عالم بشریت و کمالات و برنامه‌های او پردازند و بر علاقه‌مندان او بیفزایند.

در این میان وظیفه فرهیختگان و عالمان بسیار سنگین است زیرا آنان اند که مردم را از افتادن به دام مدعیان دروغین و شیاطین حفظ می‌کنند چنانکه قبلا در روایت امام صادق علیه السلام دیدیم: «اگر بعد از غیبت قائم شما، عالمانی نبودند که مردم را به سوی او می‌خوانند، و به سوی او راهنمایی می‌کنند، و با برهان‌های الهی از دین او پاسداری می‌کنند، و بندگان ضعیف خدا را از دام‌های ابلیس و پیروان او و همچنین از دام‌های دشمنان اهل بیت رهایی می‌بخشند، هیچ کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند. اما علمای دین دل‌های متزلزل شیعیان ناتوان را حفظ می‌کنند، هم چنان که کشتیبان مکان کشتی را حفظ می‌کند. این دسته از علماء در نزد خداوند دارای مقام و فضیلت بسیاری هستند.»^۱ امام جواد علیه السلام هم فرمود: کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را که از امام خود دور افتاده، در نادانی خویش سرگردان مانده و در دستان شیاطین و دشمنان اهل بیت گرفتار آمده‌اند، به عهده

گیرد و آن‌ها را از چنگال دشمنان رهایی بخشد و از حیرت و جهالت خارج سازد و وسوسه‌های شیاطین را از آن‌ها دور کند، و بادلایل پروردگارشان و برهان‌های امامان‌شان دشمنان اهل بیت را مقهور سازد، تا عهد خدا بر بندگانش را به بهترین شکل حفظ نماید، در نزد خداوند بر عابدی که در بهترین مواقع به عبادت پرداخته، برتری دارد، بیشتر از آنچه آسمان بر زمین، و عرش و کرسی و حجاب‌ها بر آسمان برتری دارند. برتری او بر چنین عابدی مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچک‌ترین ستاره آسمان است»^۱.

همان‌طور پیامبر خدا ﷺ در رساندن پیام غدیر همه را موظف نمود، تبلیغ مهدویت را که تکمیل‌کننده غدیر است همگان باید وظیفه خود بدانند. همان وظیفه‌ای که شیخ مفید را وامی‌داشت برای پاسخ به سؤالات مردم در موضوع غیبت رساله‌های گوناگونی همچون الفصول العشرة فی الغیبة، خمس رسائل فی اثبات الحجة، فی سبب إستتار الحجة و... را به رشته تحریر درآورد یا آن احساس ضرورتی که شیخ طوسی را وادار می‌ساخت که با همه اشتغالات علمی و درگیری در عرصه‌هایی همچون فقه، تفسیر، حدیث و رجال دست به تألیف کتاب «الغیبة» بزند، یا شیخ صدوق را به تألیف کتاب کمال‌الدین واداشت اکنون آن وظیفه بجاست و متناسب با زمان در استراتژی تبلیغ مهدویت باید به آسیب‌شناسی مفهوم انتظار و اندیشه منتظران و پالایش فرهنگ انتظار و منتظران از عقاید و افکار انحرافی پرداخت و دسیسه‌های دشمنان را خنثی ساخت.

۱۱. اهتمام به دعا

از کارکردهای باور مهدویت، درخواست از خداوند برای تعجیل در ظهور حضرت موعود است؛ یعنی فرد منتظر، چون امر ظهور را فقط در دست خداوند و اختیار او می‌داند، از او درخواست نزدیکی ظهور را می‌نماید؛ علاوه بر آن که دعا برای تعجیل در فرج - بلکه بسیار دعا کردن - از سوی خود امام هم، توصیه شده و فرموده‌اند: برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، همانا این دعاء موجب فرج شما است (وَ أَكثِرُوا الدَّعَا بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ).^۱ در این سخن امام ظرافت بزرگی نهفته است و آن این است که نفس دعا کردن شما برای تعجیل فرج، موجب گشایش و فرج امور خود شما هم می‌شود و این نکته مهمی است که تاثیر دعای بر فرج را در گشایش امور شخصی دعاکنندگان می‌رساند.

آنچه از روایات بر می‌آید امر ظهور، از اموری است که زمان آن مقدر نشده و از امور بدائی است، یعنی قابل تقدیم و تأخیر است، و دعا تأثیر به سزائی در تعجیل آن دارد. به عبارت دیگر، کلید نزدیک شدن ظهور در دعاهای خالصانه منتظران نهاده شده است و آن‌ها باید در مواقع گوناگون به ویژه در عبادات و نمازها برای تعجیل ظهور و برای فرج دعا نمایند. امام صادق علیه السلام در روایتی با اشاره به نقش دعا در تعجیل فرج به داستان قوم بنی اسرائیل اشاره می‌فرماید که مقدر بود وقت فرج آن‌ها چهارصد سال بعد باشد ولی با دعا تقدیر

۱. بحار الأنوار ۹۲/۵۲.

آن‌ها تغییر پیدا کرد: «پس چون قوم بنی‌اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند تا چهل روز در درگاه خداوند ناله و گریه نمودند. حق تعالی به حضرت موسی و هارون وحی فرستاد که ایشان را از چنگال فرعون نجات دهند، و صد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی مانده بود که آن را بخشید. آن‌گاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر شما هم این‌گونه تضرع و زاری می‌کردید، حق تعالی فرج ما را مقدر می‌فرمود، و چون چنین نکنید، این امر به نهایت خود خواهد رسید»^۱.

دعا برای امامان از انواع نصرت و یاری آن‌هاست و خود ایشان مؤمنان را بدان سفارش می‌نمودند به‌خصوص در زمان‌ها و مکان‌های خاص مثل کربلا. ابوهاشم می‌گوید نزد امام هادی علیه السلام شرفیاب بودم، در حالی که آن حضرت اندوهگین و بیمار بودند. به من فرمود: ای ابوهاشم یکی از دوستان ما را به طرف کربلا روانه کن تا آن‌جا برآیم دعا کند، پس از نزد ایشان خارج شدم و در میان راه به علی‌بن‌بلال برخورد کردم، به او فرمایش امام را بازگو کردم و از او خواستم که اطاعت امر امام کند و این کار را انجام دهد، علی‌بن‌بلال پس از آن که با دل و جان پذیرفت به من گفت: آن حضرت خود از کربلا برتر است و مقام و رتبه‌اش مانند کسی است که در آن‌جا مدفون است، و حتماً دعای ایشان برای خودش از دعای من برای او بهتر است. من گفتار علی‌بن‌بلال را به عرض آن حضرت رساندم، در جواب فرمود: به او بگو: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کعبه و حجرالاسود برتر، بود ولی اطراف کعبه طواف می‌نمود، و حجرالاسود را استلام می‌کرد و می‌بوسید،

همانا از برای خداوند بقعه‌ها و مکان‌های مقدسی است که دوست دارد مردم در آن جا دعا کنند و او را بخوانند، و دعای آن‌ها را مستجاب گرداند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «برای خدا بقعه‌ها و مکان‌های مقدسی است که دعا در آن مکان‌ها مستجاب می‌شود، حرم امام حسین علیه السلام یکی از آن بقعه‌هاست».^۲ پس دعاء مؤمن در اصلاح حوائج و برطرف شدن هموم و غموم ائمه تأثیر دارد و این منافات ندارد با آن‌که ایشان خود وسیله همه فیوضات الهی برای دیگران هستند، و از غیر خود از هر جهت بی‌نیاز می‌باشند، چنانکه خداوند متعال با آن که از غیر خود غنی و بی‌نیاز می‌باشد، ولکن بندگان را امر به عبادتش فرموده، و نیز از آن‌ها طلب یاری نموده و از آن‌ها قرض خواسته است. حکمت این امور، آن است که بندگان خود را در راستی عقیده و گفتارشان، در مقام دوستی با او امتحان کند، و نیز با انجام این اعمال لیاقت و قابلیت رحمت او را پیدا نمایند و این یکی از کارکردهای مهدویت است که منتظران به این وسیله نجات بخش یعنی به دعا و می‌دارد.

۱. بحار الأنوار ۱۱۳/۱۰۱.

۲. ابن فهد، عدة الداعی.

۱۲. پیوند با محبوب

کشش عاطفی میان عاشق و محبوب، موجب رفتارها و کارکردهایی در عاشق می‌شود که کم‌نظیر و گریزناپذیر است. عاشق با تقدیم دسته گلی، هدیه‌ای، پیامی، تبریکی، نامه‌ای، سرایش قطعه ادبی یا شعری و خلاصه به هر شکل و گونه‌ای، راهی به دل محبوب باز می‌کند. مشتاقان و عاشقان منجی موعود، چگونه چنین نکنند که آماده‌اند جان‌شان را در راه او و آرمان‌های او فدا کنند و با عباراتی چون «بنفسی أنت» (جانم به قربانت) یا «روحي فداك» (روح به فدایت)، آن را بارها و بارها، تکرار می‌کنند؟ اینجا هم ارتباط قلبی است که حرف اول را می‌زند زیرا او را دوست دارند و برای این دوستی حاضرند هر هزینه‌ای را پردازند از صرف وقت و مال و مقام تا جانفشانی و جهاد و قیام. آن‌ها حتی هر پگاه آرزو می‌کنند اگر در زمان حیات‌شان ظهور منجی اتفاق نیفتاد، پس از مرگ، هنگام ظهور از قبرهایشان برون آیند و به یاری او بشتابند.

بُعد دیگر پیوند، بُعد اعتقادی است؛ یعنی باور داشت اعتقادی منجی به عنوان امام واجب‌الإطاعه است که باید اوامرش را بشناسد و اطاعت کند که اجرای اوامر او در ردیف اجرای اوامر پیامبر و خداست زیرا او در جایگاه اولوالامر است که قرآن اطاعت او را در ردیف اطاعت خدا و رسول ذکر کرده است: «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منكم» (اطاعت

کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را و اطاعت کنید اولی الامر (را). حال، به خاطر اجرای اوامر امام، رفتارها و عملکردهایی برای منتظر ایجاد می‌شود که طبیعتاً هم بر شخصیت و هم بر جامعه او تأثیرهای مثبتی خواهد داشت. منجی مصلح در پی معرفت و اصلاح و نیکی و عدالت است و منتظرانی که با او پیوند می‌گیرند نیز همین خط را در حیات فردی و اجتماعی خود پی می‌گیرند.

«صله» به معنای پیوند است و صله با امام، پیوند خود به امام و یا تلاش در پیوند بُریدگان از امام به امام است. باید هم خود فرد با انجام کارهایی پیوندش را با امام حفظ کند از طریق سلام و دعا و نیابت و خدمت و انجام امور خشنود کننده حضرت و هم اتصال دادن و صله کسانی که به دلایل مختلف از امام دور افتاده و ارتباطشان بریده شده است و رساندن آن‌ها به معرفت امام و پیوند قلبی و عملی با ایشان. این «صله» همان‌طور که گفته شد انواع گوناگون دارد که کارکردهای متعددی را هم پی ریزی خواهد کرد. گاهی نیکی به افراد به نیت رضایت امام قلب آن‌ها را نرم می‌کند به خصوص که بین این نیکی ارتباطش با امام را متوجه شوند که در نهایت ممنون او خواهند شد.

یکی از انواع صله و پیوند، صله با آن حضرت به وسیله مال و دارایی است. منظور از صله در این جا، عطا و بخششی است که فرد، برای جلب توجهات معنوی امام علیه السلام تقدیم می‌کند و این همان هدیه‌ای است که صرفاً جهت خشنودی و سرور امام علیه السلام اهدا می‌شود. هرکس به اندازه توانایی و

امکانات خود، مقداری از مال و دارایی خود را به آن حضرت اختصاص می‌دهد و به او اهدا می‌کند. در زمان ظهور آن حضرت این مال به خود ایشان تقدیم می‌گردد، اما در عصر غیبت، صله امام علیه السلام صرف اموری می‌شود که مورد رضایت آن حضرت است به نیت صله و پیوند با امام مثل صرف مال در نشر کتاب‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای خوب یا برگزاری مجالس و محافل ذکر و یاد آن حضرت و تعلیم و تعلم در مسیر آن بزرگوار و خدمات تبلیغی به زبان‌های مختلف در معرفی مهدویت یا حتی صرف ما در رفع حوائج مؤمنان و رفع اختلاف بین آن‌ها به نیت صله و پیوند با امام. امام صادق علیه السلام فرمود: «یک درهم که با آن، با امام علیه السلام صله می‌شود، بهتر است از دو میلیون درهم که در سایر کارهای نیک، جز صله امام صرف می‌شود».^۱ و امام کاظم علیه السلام هم فرمود: «هرکس نمی‌تواند با ما صله نماید، پس با دوستان صالح ما صله کند که ثواب صله برای او نوشته می‌شود».^۲

۱. کافی ۱/۵۳۸.

۲. کامل الزیارات/۳۱۹.

۱۳. خودسازی و تهذیب

هر تیمی، یار ما هر و هماهنگ با خود و هر سپاهی سرباز آموزش دیده و توانمند رامی خواهد؛ کارگزاران برنامه جهانی منجی موعود، از میان بهترین یاوران خود ساخته و توانمند و پاکیزه کردار انتخاب می شوند نه افراد آلوده به گناه و مفسد اخلاقی و بدون مهارت. آنان که شور یاوری منجی موعود را دارند باید خود را پاکیزه از تیرگی های اخلاقی و کرداری کنند تا شایستگی مقام یاوری را بیابند. خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح در نامه اول به شیخ مفید می فرماید: «... دستورات ما را به آنان که از تومی پذیرند و گفتار ما موجب آرامش آنها می باشد، ابلاغ کن؛ تا زمانی که حکومت در اختیار ستمگران است بر اساس فرمان الاهی و صلاح خود و شیعیان، در نقطه ای دور و پنهان از دیده ها به سر می بریم، ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاها و گناهایی که بندگان صالح خداوند از آنها دوری می کردند ولی اکثر شما مرتکب شدید با خبریم».

و ادامه می دهند: «از عهد شکنی ها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمان ها با اطلاعیم. گویی اینها از لغزش های خود خبر ندارند! با همه گناهان، ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته، شما را فراموش نمی کنیم و اگر عنایات و توجهات ما نبود، مصائب و حوادث زندگی شما را در بر می گرفت و دشمنان شما را از بین می بردند. پس، از خداوند بترسید و تقوا پیشه کنید و به خاندان رسالت یاری رسانید. در برابر

فتنه‌هایی که پیش می‌آید - و البته عده‌ای در این آزمایش و برخورد با فتنه‌ها هلاک می‌شوند - مقاومت کنید و البته همه این‌ها از نشانه‌های حرکت و قیام ما هست. اوامر و نواهی ما را متروک نگذارید و بدانید که علی‌رغم کراهت و ناخشنودی کفار و مشرکان، خداوند نور خود را تمام خواهد کرد». تقیه را از دست ندهید... من ولیّ خدا هستم، سعادت پویندگان راه حق را تضمین می‌نمایم... پس تلاش کنید اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهایی که موجب نارضایتی ما را فراهم نماید، بترسید و دوری کنید. امر قیام ما با اجازه خداوند به‌طور ناگهانی انجام خواهد شد و دیگر در آن هنگام، توبه فایده‌ای ندارد و سودی نبخشد. عدم التزام به دستورات ما، موجب می‌شود که بدون توبه از دنیا بروند و دیگر ندامت و پشیمانی نفعی نخواهد داشت»^۱.

و در نامه دوم به آن مرزبان دین می‌فرماید: «از آن زمانی که بسیاری از شما به راه و رسم ناپسندی که پیشینیان شایسته کردارتان از آن دوری می‌گزیدند، روی آورده و پیمان فطرت را، به‌گونه‌ای پشت سر انداختید که گویی هرگز از آن آگاه نبودید [چنین سرنوشتی دامنگیر شما شد، درحالی‌که] شما باید با همه وجود و امکانات به کارهایی بپردازید که شما را به دوستی ما نزدیک می‌سازد و از کارهایی که ناخوشایند و موجب خشم و ناراحتی ما می‌گردد، به شدت دوری جوئید، چرا که فرمان مرگ به‌طور ناگهانی فرا می‌رسد، در شرایطی که بازگشت و توبه سودی نبخشیده و پشیمانی از گناه و زشتکاری، شما را از کیفر عادلانه ما، رهايي نخواهد داد. آنچه در این نامه است

را تنها به افراد مورد اعتماد خویش بازگو و به خواست خداوند پیروان ما را به عملکرد برطبق محتوای آن، سفارش کن و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد!»^۱.

و در نامه سوم می‌فرماید: «... ما به تو اطمینان می‌دهیم که هر کس از برادران دینی تو، تقویٰ پیشه سازد و آنچه را به گردن دارد به صاحبان حق برساند، از فتنه نابودکننده و گرفتاری‌های تیره و تار و گمراهگرانه، در امان خواهد بود و هر آن کس که در دادن نعمت‌هایی که خداوند به او ارزانی داشته، به کسانی که دستور رسیدگی به آنان را داده است، بخل ورزد، چنین کسی در این جهاد و سرای دیگر، بازنده و زیانکار خواهد بود. ... هان ای دوست پراخلاص که همواره در راه ما بر ضد بیدادگران در سنگر جهاد و پیکاری! خداوند همانسان که دوستان شایسته کردار پیشین ما را تأیید فرمود، تو را نیز تأیید نماید! اگر پیروان ما - که خدای آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق ارزانی بدارد - به راستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند، همدل و یکصدا بودند، هرگز خجستگی دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما، زودتر نصیب آنان می‌گشت. از این رو (باید بدانند که) جز برخی رفتار ناشایسته آنان که ناخوشایند ما است و آن عملکرد را زیبنده اینان نمی‌دانیم، عامل دیگری ما را از آنان دور نمی‌دارد»^۲. هرآنچه در زمینه خودسازی و تهذیب یاران لازم بود، امام در این نامه‌ها فرمود و کارکرد این پیام‌ها، ساختن یارانی استوار، خودساخته و مهذب و با تقواست.

۱. احتجاج ۲/۵۹۷؛ بحار الأنوار ۵۳/۱۷۵-۱۷۸.

۲. احتجاج ۲/۵۹۷؛ بحار الأنوار ۵۳/۱۷۵-۱۷۸.

۱۴. علم‌افزایی

عصر غیبت، کارزار فرهنگی مدافعان مهدویت با انواع جریان‌های فرهنگی مخالف و مدعیان دروغین بابیت و مهدویت است و در این کارزار فرهنگی، به سلاح علم و دانش نیاز است تا مرزبانان مهدوی بتوانند با منطق قوی و براهین علمی بر مخالفان و منکران پیروز شوند؛ لذا مدافعان و مرزبانان باید دائماً دانش خود را ارتقاء دهند و انبوه شبهات را با تسلط بر دانش قرآنی و روایی و شیوه‌های مؤثر مناظراتی و گفتمان‌های اندیشگی پاسخ دهند و مخاطبان را هدایت نمایند. عزم و اراده قوی بر علم‌افزایی از کارکردهای باور مهدویت در منتظران و مدافعان و مرزبانان عصر غیبت است تا نگذارند که دشمنان و مخالفان از عدم آگاهی اُمت پلّی برای گمراه کردن آنان بسازند.

گفتیم علم‌افزایی و دانش‌اندوزی، اراده و تصمیم و پشتکار می‌خواهد. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خود در این زمینه می‌فرمایند: «اگر خواستار رشد و کمال معنوی باشی، هدایت می‌شوی و اگر طلب کنی، می‌یابی (إن استرشدت، أرشدت وإن طلبت وجدت).^۱ روح جستجوگری و طلب به‌ویژه در یادگیری و دانش‌جویی باید در وجود همگان سرشار و فروزان باشد تا برای پیکارهای فرهنگی به آخرین برهان‌ها- که سلاح فرهنگی است- مجهز باشند تا منشأ هدایت شوند. آن همه تأکید دین بر اهمیت علم‌آموزی در قرآن و روایات حتی تا حد

۱. کمال‌الدین ۲/۵۰۹.

وجوب و فریضه دانستن آن، در این راستا، تفسیر می‌شود. چنین است که در دعای توفیق (اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...) ^۱ که از ناحیه خود آن حضرت صادر شده این‌گونه از خداوند تقاضا می‌کنیم: «واملاً قلوبنا بالعلم و المعرفة» یعنی «دل‌های ما را از دانش و معرفت، مالا مال کن»؛ و در فراز دیگری از آن می‌خوانیم: «و تفضل علی علمائنا بالزهد و النصیحة و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة» یعنی «تفضل نما بر دانشمندان ما در اقدام به زهد و خیرخواهی و نصیحت و تفضل نما بر دانشجویان ما به تلاش و شوق در علم آموزی و علم افزایی». آری امام علیه السلام با صراحت تمام از علما انتظار زهد و دستگیری و هدایت و از علم آموزان، انتظار تلاش و کوشش با نشاط و شوق دارد. این کارکرد باور مهدویت در حوزه علم اندوزی و علم گستری در جامعه است.

اما در موضوع علم دینی، دستور آن است که به متخصصان علم دین یعنی اهل بیت علیهم السلام مراجعه شود و نه غیر ایشان؛ زیرا که علم صحیح دین جز از طریق آنان به دست نمی‌آید که امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر به شرق و غرب عالم سفر کنید هرگز دانش صحیح و درست را نخواهید یافت مگر آن چیزی که از نزد ما اهل بیت برون آید» (شَرِّقًا وَ غَرِّبًا لَنْ تَجِدَانَ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا اَهْلِ الْبَيْتِ). ^۲ و روشن است که چشمه سار علوم اهل بیت علیهم السلام مجموعه‌های حدیثی ما از کتب اربعه تا منابع حدیثی همچون بحار الأنوار، وسائل الشیعه و سایر مؤلفات روایی شیعی است.

۱. مصباح کفعمی/۲۸۰ و مفاتیح الجنان.

۲. کافی/۳۹۹.

۱۵. زمان آگاهی

از دیگر کارکردهای باور مهدویت، «زمان آگاهی» است زیرا منتظران برای توسعه فرهنگ انتظار در جامعه خود و تبلیغ آموزه‌های مهدوی، نیازمند شناخت شرایط و اقتضائات زمانه و فرهنگ جامعه هستند تا در فعالیت‌های خود، تیر در تاریکی نیفکنند و کاری بی‌اثر انجام ندهند بلکه همه اقدامات آن‌ها مؤثر واقع شود. البته این دستور پیشوایان دینی هم هست.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «برای آگاهی انسان همین بس که زمان خود را بشناسد»^۱؛ و نیز فرمود: «آگاه‌ترین مردمان به روزگار، کسی است که از حوادث آن تعجب نکند»^۲ یعنی به قدری جامعه خود را می‌شناسد که حتی می‌تواند حوادث را پیش‌بینی کند یا وقوع حوادث برای او تعجب آور نیست؛ امام صادق علیه السلام هم فرمود: «کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات و شبهات قرار نمی‌گیرد»^۳؛ و نیز فرمود: «بر عاقل است که زمانه خود را بشناسد»^۴.

از معانی این احادیث برمی‌آید که زمان‌شناس و آگاه به زمانه، از آسیب‌ها و خطرات ناشی از شبهات و فتنه‌ها در امان خواهد بود. چنین فردی این قابلیت را پیدا می‌کند که با آگاهی از احوال اهل زمانه، رسوم و عادات فاسد و باطل

۱. «حسب المرء... من عرفانه، علمه بزمانه» میزان الحکمه ۲/۱۱۵۳.

۲. «أعرف الناس بالزمان من لم يتعجب من أحداثه»، میزان الحکمه ۲/۱۱۵۳.

۳. «العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس»، الکافی ۱/۲۶-۲۷.

۴. «على العاقل أن يكون عارفا بزمانه»، بحار الأنوار ۳۰۷/۶۸.

محیط، روح زمان و موقعیت اجتماعی جامعه خویش و جهان دوست و دشمن خود را بشناسد و در مسیر پرپیچ و خم زندگی، جایگاه تقیه، معاشرت، کناره‌گیری و حب و بغض را به درستی تشخیص دهد و در برابر حملات ناگهانی، غافلگیرانه و زورمندانه شبهات غبارآلود، مقاومت کند. او می‌تواند حق را از باطل، درست را از نادرست، نور را از ظلمت و امور روشن را از شبهه‌های تاریک تشخیص دهد تا دچار فتنه، فساد و گمراهی نشود. از این رو او در فعالیت‌های خود نه به خطا می‌رود و نه منفعلانه بی‌اقدام می‌ماند بلکه همواره در مسیر مستقیم و میانه حرکت می‌کند.

علم به زمانه، تنها رصد اطلاعات و داده‌های رایج در زمانه نیست. بلکه انسان عالم باید نسبت به زمانه خود علم حضوری و قلبی پیدا کند تا بتواند با تحلیل داده‌ها خود را از کمند شبهات برهاند و او را در برابر حملات اندیشه‌ها و افکار شیطانی ایمن گرداند. زمان جدای از معنای لغوی‌اش در معانی دیگری نیز استعمال می‌شود. برخی از این معانی عبارتند از: احوال اهل زمانه، رسوم و عادات فاسد و باطل، روح زمان و موقعیت اجتماعی جامعه و جهان، اهل زمان. زمانه عنصری مرکب است و برخی از اجزای آن عبارتند از: مجموعه نیازها و اوضاع و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و بین‌المللی که تحت تأثیر ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای عصری شکل می‌گیرند. شناخت زمانه يك دستور عقلی و يك ضرورت اولویت دار و بلکه فوریتی است.

۱۶. رجوع به راویان

در دوران غیبت منجی موعود، منتظران چگونه با تکالیف خود در زمینه احکام آشنا شوند و برای سؤالات اعتقادی و دینی خود پاسخ‌هایی بیابند؟ این مهم‌ترین پرسش در روزگار غیبت امام است که به نوعی دیگر در قالب سؤال «فایده امام غائب چیست؟» هم مطرح می‌شود. پاسخ این موضوع مهم و سؤالات اساسی را خود امام این‌گونه داده‌اند: «اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم» (أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَارِقَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ).^۱ یعنی مردم را به راویان حدیث امامان که در زمره وکیلان حضرت به شمارند ارجاع داده‌اند که در رویدادها و وقایع روزگار، محل مراجعه مردم، آنان باشند. سؤال این است که این راویان، کیانند و وظایف‌شان چیست و چگونه به مقام حجت برای مردم از سوی امام تعیین شده‌اند و امام، حجت بودن خودش را برای آن‌ها تضمین نموده و سازمان مدیریت جامعه در غیبت امام بدین‌سان شکل می‌گیرد؟

این دستورالعمل از جمله مطالبی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب فرموده‌اند. در این حدیث شریف، حضرت به وظیفه شیعیان در حوادث پیش آمده در عصر غیبت اشاره کرده و شیعیان را برای فهمیدن احکام شرعی و سایر مسائل اجتماعی، به راویان احادیث، که همان

۱. کمال‌الدین ۴۸۴/۲ ح ۱۰؛ الغیبة، شیخ طوسی/۲۹۱ ح ۲۴۷؛ احتجاج ۲/۲۸۴؛ بحار الأنوار ۱۸۱/۵۳ ح ۱۰؛ وسائل الشیعه ۲۷/۱۴۰ و...

«فقها»ی شیعه هستند، ارجاع می‌دهد؛ زیرا آنان هستند که کارشناسان اصلی دین هستند و احادیث را خوب فهمیده‌اند، و عام و خاص، محکم و متشابه، و صحیح و باطل آن‌ها را می‌شناسند. «راویان حدیث» از نظر حضرت کسانی نیستند که روایت را فقط نقل می‌کنند بدون این که آن را درست بفهمند؛ زیرا چنین افرادی، نمی‌توانند گره از مشکلات اعتقادی و فقهی و... بگشایند.

رجوع به فقها در عصر غیبت، نه يك امر مستحب، بلکه يك واجب شرعی است؛ زیرا، آنان منصوب امام برای این کار هستند و از فرمان حضرت نمی‌توان تخلف کرد. فقیه، به معنای عالم و کارشناس دین است و منحصر به احکام عملی نیست بلکه باورهای اصیل دینی را از روایات پیامبر و امامان علیهم‌السلام، استخراج نموده و در اختیار مردم می‌گزارند.

شاهد دیگر بر این که مراد از راویان حدیث، فقیهان می‌باشند، این است که: امام یاران خود را به «روایات» ارجاع نفرموده بلکه دستور به رجوع به «راویان» داده است و معنا ندارد اصحاب، مامور مراجعه به راویانی شده باشند که فقط الفاظ حدیث را بدون درک مفاهیم آن حفظ کرده‌اند، زیرا در چنین صورتی می‌بایست دستور مراجعه به روایات اهل بیت داده می‌شد نه دستور مراجعه به راویان احادیث؛ بنابراین مقصود کسانی هستند که با اشراف به علوم اهل بیت علیهم‌السلام، توانایی درک و توضیح و تطبیق روایات را بر موضوعات و مسائل خارجی را دارند و در حقیقت به یقین منظور فقهای هستند که فقه آنان مستند به روایات اهل بیت می‌باشد؛ و حکمی که در این موضوع برای راویان احادیث اثبات شده - که آنان حجت امام معصوم بر

مسلمانان هستند. با راویان الفاظ احادیث تناسب ندارد، بلکه این حکم و این مسئولیت بزرگ اختصاص به افرادی دارد که قدرت استنباط علوم و معارف و مقاصد ائمه علیهم السلام را دارند و این افراد همان فقهای دارای شرایط می باشند که شرایط لازم مثل تقوی، مرزبانی از دین، مطیع امر امام معصوم و خودنگهدار در برابر هواهای نفسانی را داشته باشند.

اما مراجعه مردم به راویان حدیث و فقیهان چنان که مرحوم شیخ انصاری نیز در کتاب مکاسب خویش گفته اولاً ارجاع مردم به فقها در اصل حوادث است و نه حکم آنها و ثانیاً تعبیر امام علیه السلام از فقها به «حجتی علیکم» و نه «حجة الله» نشان می دهد که امام بر کار آنها نظارت دارد، و ثالثاً بدیهی بودن رجوع مردم از دیرباز به فقها برای مسائل شرعی و عدم ضرورت جهت پرسش در مورد آنها، را سه دلیلی می داند که ثابت می کند مقصود امام علیه السلام در ارجاع مردم به راویان حدیث، اختصاصی به مسائل شرعی ندارد بلکه منظور همان امور اجتماعی و عمومی است.^۱ کارکرد این بیان امام، تعیین تکلیف مردم در همه حوادث و رویدادهای روزگار به ویژه فتنه ها و جریانات شبهه ناک و مشکوک است که می خواهند بدانند تکلیفشان چیست و نظر خدا و پیامبر و امام در مورد آن واقعه ها چیست. واگذاری امور هدایت جامعه به عالمان دین و راویان احادیث امامان موجب رشد و بالندگی عالمان دین است که خود را به مقامی برسانند که امام آنها را حجت خویش بر مردم معرفی کند و از آن بالاتر بفرماید من حجت خدا بر آنان هستم و راه درست را به آنان می نمایانم!

۱۷. تحریف زدائی

وقتی آموزه مهدویت و ارکان عملی آن در معرض تحریف قرار می‌گیرد، باورمندان به آن خاموش نمی‌مانند و تحریف‌زدائی می‌کنند؛ مثلاً اگر ببینند «انتظار»، بد معنی می‌شود و خموشی و بی‌حرکی و انفعال محض تفسیر می‌گردد، به تحریف‌زدائی از این آموزه می‌پردازند. این‌که انتظار را به معنی رکود، خمودی و سستی در مسائل مربوط به اجتماع انسانی قلمداد کنند و «منتظر» را فردی گوشه‌گیر معرفی نمایند که هیچ ارتباطی با زندگی جمعی برقرار نمی‌کند و تنها سر خود را در پیش گرفته و به زندگی فردی، عبادات فردی و سلوک فردی می‌پردازد، مفهومی گمراه‌کننده و بسیار خطرناک است که فایده آن تنها نصیب قدرتمندان حاکم بر جوامع و فرقه‌های گمراه می‌شود تا بی‌محابا و بدون مانع اهداف‌شان را پیش ببرند؛ لذا باید از این تحریف جلوگیری نمود تا مفهوم حرکت آفرین و مکتب ساز «انتظار» که می‌تواند به بزرگ‌ترین حرکت‌های اجتماعی و برترین تغییرات جمعی منجر شود، وسیله‌ای برای تخدیر و سکوت معتقدان به این موضوع قرار نگیرد.

در مورد این وظیفه، امام صادق علیه السلام فرمود: «دانشمندان، وارثان پیامبرانند؛ چون پیامبران طلا و نقره به ارث نگذارند و تنها احادیثی از علوم‌شان را به جای گزارند؛ هرکه از آن احادیث برگیرد بهره بسیاری برگرفته است. پس نیکو بنگرید که علم خود را از که می‌گیرید زیرا در خاندان ما اهل بیت در هر عصر، جانشینان عادل هستند که تحریف‌غالیان و ادعای

باطل مدعیان باطل و بدمعنی کردن نادانان را از دین کنار می‌زنند.^۱ امام هادی علیه السلام نیز در رابطه با نقش فقهاء و علماء در تحریف زدایی فرمود: پس از غیبت قائم ما، گروهی از علماء مردم را به اعتقاد به امامت او (قائم) فرا می‌خوانند و با استفاده از حجت‌های ربّانی، از دین دفاع می‌کنند تا مؤمنان ضعیف النفس را از وسوسه‌های شیطانی پیروان ابلیس و از فریبکاری‌های نواصب (دشمنان اهل بیت) مصون دارند. اگر این علماء نباشند همه از دین خدا منحرف خواهند شد و همچنان که ناخدا، سکان کشتی را در دست دارد، علماء قلوب شیعیان را با صلابت در اختیار گرفته و از انحراف آنان جلوگیری می‌کنند. آن علماء در پیشگاه خداوند متعال مرتبه‌ای ممتاز دارند.^۲

این تحریف‌ها بر اساس فرموده امام صادق علیه السلام گاهی از سوی غالیان و افراط‌گرایان و منحرفان از اصول و مبانی دین است، گاهی از سوی مدعیان باطل است و گاهی از سوی جاهلان و نادانان نسبت به مبانی دینی که در هر حال انحراف را به دنبال می‌آورد و باید دانایان به مبانی دینی با تحریف هر سه گروه مقابله نموده و انحراف و تحریف انجام شده را کنار بزنند و سوء برداشت‌ها از مفهوم انتظار و غیبت را تصحیح نمایند و شبهات را پاسخ گویند و بسیاری از موضوعات مربوط به منجی از جمله فایده امام در غیبت و نحوه غلبه او بر جهان با وجود قدرت‌های ستمگر و طول عمر و ... را تبیین نمایند.

۱. الکافی ۱/۳۲.

۲. احتجاج ۲/۵۰۲.

تحریف زدایی امری مهم است زیرا خرافات و تحریف‌هایی که در گرداگرد دین شکل می‌گیرد، نه تنها دین را از کارآیی، تعالی آفرینی باز می‌دارند بلکه جامعه دینی را دچار آسیب‌های فراوان می‌کنند و سد راه تکامل و شکوفایی آن می‌شوند. این کجروی‌ها شامل خلوص زدایی، غلو، اباحی‌گری، تحریف واژه‌ها و آموزه‌ها، گسترش سحر و جادو، یا اصل قرار دادن خواب و کشف و شهود و عدم تعقل و علم‌گریزی و تعطیل تفکر و تدبر در کتاب خدا و مراجعه به غیر عالمان کارشناس است که نمونه‌های فراوانی در تاریخ دارد و این همه وظیفه منتظران را در تحریف‌زدائی سنگین‌تر می‌کند و بر آن‌ها واجب می‌کند که در شرایط گسترش تحریف‌ها، قیام کنند و جامعه خود را نجات بخشند.

۱۸. اهتمام به وحدت

«اجتماع قلوب»، نشان وحدت و همدلی است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یاران خویش آن را توصیه و آنان را به اجتماع قلوب دعوت می‌فرماید؛ این جملات، قسمتی از نامه‌ای است که از ناحیه مقدّس آن حضرت برای شیخ مفید رحمته الله علیه فرستاده شده است. در این نامه، بعد از سفارش‌های لازم به شیخ مفید و دستورهایی به شیعیان، نبود وحدت و صفا و همدلی در بین شیعیان را سبب غیبت خود می‌شمرند: «اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بردوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم»^۱.

آن بزرگوار می‌فرماید شیعیان به خاطر عهدی که با ما دارند باید اجتماع قلبی داشته باشند یعنی در همه حال آن صفا و یکدلی و هم‌رنگی بینشان حاکم باشد. نتیجه یک‌رنگی در وهله اول این است که از سعادت دیدار ما محروم نخواهند ماند و از آثار و ثمرات آن بهره‌مند می‌گردند. این، نشانگر میزان اهمیت همدلی فی‌مابین شیعه بوده و ثابت می‌کند که رضایت و سرور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بسته به وجود اجتماع قلبی

ما می‌باشد و در مقابل، تفرقه و تفرق قلبی موجب کدورت خاطر و حزن و اندوه آن بزرگوار می‌گردد. متأسفانه می‌بینیم که مردم نه تنها اجتماع قلبی ندارند بلکه سوءظن و بدبینی هم بینشان وجود دارد نتیجه آن به این جا می‌رسد که از طرفی از توفیق دیدار و دعای خیر مولای خویش محروم می‌مانند و از طرف دیگر به واسطه القاء حزن و اندوه به قلب مبارک آن حضرت مقصر بوده و باید در درگاه الهی پاسخگو باشند. در این میانه گناه کسانی که با فراهم آوردن موجبات تفرقه به این امر دامن زده‌اند بیشتر بوده و قبل از بقیه باید جوابگو باشند.

موضوع پیمان هم که در کلام امام علیه السلام آمده است مراد پیمانی است که خداوند متعال از شیعیان عهد و پیمان گرفته که از امامان پیروی کنند و این پیروی سبب تشرف به لقای امام زمان خواهد بود. حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت حجت با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی‌مسئولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسبت به دین و نیز امام و مقتدای خود ندارد بلکه موظف به استقامت و پایبند بودن بر خط و مسیر اسلام ناب بدون هیچ انحراف و یاری رساندن به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از راه ایمان و عمل صالح است.

وحدت و همدلی بین مؤمنان و معتقدان به منجی موعود، راهبردی است که افراد را وظیفه‌مند می‌کند از موضوعات

تفرقه‌انگیز بین همدیگر فاصله بگیرند و اختلاف نظر در یک موضوع را وسیله دشمنی و عناد و مشاجره و دوری از یکدیگر قرار ندهند و طعمه شیطان نشوند که تفرقه و جدایی بزرگ‌ترین ابزار رأی اوست که به وسیله آن صفوف متحد را از هم می‌پاشد و دوستی‌ها و همدلی‌ها را به عناد و تفرقه مبدل می‌سازد. گاهی از طریق اختلاف نظر در مسائل فکری، گاهی اختلافات مالی، گاهی اختلافات سلیقه‌ای و ذوقی، گاهی رقابت‌ها و حسادت‌ها، گاهی اختلافات خانوادگی و قبیله‌ای و قومی و خلاصه از طرق گوناگون، رابطه‌ها را گل‌آلود و تیره می‌کند و اجتماع قلوب را به افتراق قلوب و کینه و دشمنی و جدایی مبدل می‌سازد که این پدیده مورد رضایت امام نیست و آن را برای دوستان و شیعیان خویش، خوش نمی‌دارد و می‌فرماید اگر می‌خواهید عنایات امام و دیدار او را داشته باشید باید به سوی وحدت و همدلی روی آرید. کارکرد این باور، حرکت منتظران در مسیر اتفاق امت و اجتماع قلوب و اتحاد صفوف منجی باوران است.

۱۹. معیشت پاک

نمی شود منتظر منجی الهی و عدالت گستر باشی اما از راه حرام معیشت خود را سازمان دهی! اسلام برای کسب و کارت قوانینی معین نموده که باید بر اساس آن روزی حلال خود را به دست آوری و فرموده است: «ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید»^۱ و «از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید».^۲ طیبات و پاکیزه ها تعاریف مشخصی در احکام فقهی دارد که رعایت آن ها ضروری است. زیبنده نیست یاران مصلح، به کسب و کارهای حرام مثل ربا، رشوه، جعل و کلاهبرداری، تبانی در معاملات، غش و تقلب در کالاها و خدمات، احتکار ارزاق عمومی، کم فروشی و تصرف اموال دیگران، دزدی و خیانت و حیف و میل اموال عمومی، قمار و قاچاق و اختلاس، تجارت اعیان نجس، خرید و فروش خوک و پرورش آن، تولید و تجارت مشروبات الکلی، تصرف نامشروع در اموال یتیم و... آلوده باشند.

کسب حلال و تلاش برای تأمین معیشت پاک، چنان مهم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برای اداره زندگی خانواده اش تلاش می کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می نماید»^۳ و فرمود: «جوان بیکار، مورد خشم خداوند

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. بقره: ۵۷.

۳. میزان الحکمه ۴/۴۴۵.

است.^۱ ابن عباس می گوید، هرگاه پیامبر ﷺ از شخصی خوشش می آمد، از شغل او می پرسید. اگر می گفتند او شغلی ندارد، می فرمود: از چشم من افتاد. وقتی از آن حضرت، علت آن را می پرسیدند، می فرمود: مؤمن اگر دارای شغلی نباشد، با دین فروشی زندگی خودش را اداره می کند.^۲ انس بن مالک می گوید: روزی که رسول خدا ﷺ از غزوه تبوک باز می گشت، سعد بن معاذ انصاری به استقبال آن حضرت شتافت و با پیامبر دست داد. حضرت فرمود: چه باعث شده که دست هایت این گونه سفت و پینه بسته باشد؟ جواب داد: با بیل برای کسب نفقه خانواده ام کار می کنم. حضرت دست وی را بوسید و فرمود: این دست هرگز آتش جهنم را حس نمی کند.^۳

شغل و کسب و کار، یکی از مهم ترین مسائلی است که در زندگی فردی و اجتماعی بشر مطرح می شود، به دلیل این که انسان برای گذران زندگی خود و خانواده خود از جوانی وارد آن شده و با آن رشد می کند و تا آخر عمر نیز با آن سروکار دارد، از این رو آثار و فواید مهم و متعددی برای او و جامعه دارد که اگر در مسیر الهی باشد موجب آموزش گناهان، محبوبیت نزد خداوند، استجابات دعا، نورانیت دل و جان و رهایی از فقر و کمک و یغری به هم نوعان و کلید ورود به بهشت می شود و در صورت انتخاب ناصحیح و ورود به شغل های حرام، مبتلا به بی برکتی اموال، عدم پذیرش عبادات، عدم استجابات دعا،

۱. جامع السعادات ۱/۱۸۹.

۲. بحار الأنوار ۱۰۳/۹.

۳. تاریخ بغداد ۷/۳۵۳-۳۵۴.

قساوت قلب، تأثیر منفی در نسل و از همه مهم‌تر دوری از امام زمان و موعود دوران می‌گردد و این موجب خسران ابدی برای او خواهد گردید.

منتظران امام، کاسبان آگاهی هستند که امام را شریک در اموال خود می‌شمرند و حقوق شرعی خود را می‌پردازند تا اموال شات پاک شود و با توسل به آن حضرت از او می‌خواهند که آلوده به حرام نشوند و مشمول دعای او باشند و از امام که ولی نعمت اوست همواره ممنون و سپاسگزار است و بعد از هر غذا او را یاد می‌کند و می‌گوید: اللهم بارک لمولانا صاحب الزمان و در ساعات کسب و کار او را ناظر بر خویش می‌بیند و همین مراقبت، او را از لغزش‌های شغلی محفوظ می‌دارد و پیوندش با امام محکم‌تر می‌شود و مشمول دعای امام می‌گردد که با این دعا، کسب و کارش هم برکت می‌یابد. این کارکردی مهم بر اثر اعتقاد به مهدویت در حیات فردی و اجتماعی منتظران است.

۲۰. حفظ اموال امام

همان طور که در حضور امام، شیعیان هدایا، وجوهات شرعی مثل خمس، اوقاف و نذوراتی را به ایشان تقدیم می‌دارند، در غیبت امام نیز اموالی را توسط وکلای ایشان تقدیم می‌کنند تا به مصارف مورد نظر امام برسد. نگاهبانی از اموال امام وظیفه هم شیعیان است و باید از حیف و میل در آن اموال و تصرف بیجا در آن‌ها جلوگیری نمود. در دو حدیث که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است آمده است: «هر کس به ناحق چیزی از اموال ما را بخورد، همانا آتش در شکم خود می‌کند و به زودی به رو در آتش جهنم می‌افتد»؛ و نیز فرمودند: «وقتی برای هیچ کس جایز نیست که در مال دیگران بدون اجازه آنان تصرف کند، پس چگونه این کار در مال ما جایز می‌شود؟!» منظور از این اموال، هدایا، نذورات و سهم امام علیه السلام از خمس و اوقاف و امکنه متعلق به آن حضرت می‌باشد.

در زمان نواب بزرگوار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عده‌ای از مردم موثق بودند، که از طرف نواب توقیعاتی برای آن‌ها می‌رسید؛ ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی یکی از وکلای حضرت در منطقه ری بود.^۱ صالح بن ابی صالح می‌گوید: در سال ۲۹۰ هجری عده‌ای از من خواستند که چیزی را به عنوان مال امام از آن‌ها بپذیرم ولی نپذیرفتم نامه‌ای نوشتم و کسب تکلیف کردم جوابی برای من آمد که: محمد بن جعفر اسدی در ری است مال به او تحویل داده شود که او از موثقین ماست.

در جواب نامه او، حضرت نوشتند: «...این که پرسیده‌ای چیزی وقف ما شده باشد، اگر صاحبش محتاج به آن باشد آیا می‌تواند در آن تصرف کند یا نه؟ جواب این است که: اگر آن شیء وقف شده هنوز تسلیم متولی نشده، صاحب ملک اختیار دارد که آن را از وقف بودن بیرون کند و آن را تملک نماید؛ ولی اگر تسلیم متولی وقف شده باشد، صاحب آن نمی‌تواند تصرف کند، خواه محتاج به آن باشد یا بی‌نیاز از آن باشد.

و اما این که پرسیده‌ای کسانی در اموال ما که در دست آنهاست، بدون اجازه ما تصرف می‌کنند و استفاده آن را برای خود حلال می‌دانند، هر کس این کار را بکند ملعون است؛ و ما روز قیامت از وی بازخواست می‌کنیم.

و اما این که پرسیده‌ای املاکی برای شما وقف شده، آیا جایز است کسی آن را آباد کند و بعد از کسر مخارجی که خرج کرده بقیه درآمد آن را به ناحیه ما بفرستد، و این کار را به خاطر ثواب بردن و تقرب به سوی ما متحمل شود؟ جواب این است که: هیچ کس حق ندارد در مال کسی بدون اجازه صاحبش تصرف کند، پس چگونه جایز است کسی در مال ما تصرف کند؟ هر کس بدون اجازه ما این کار را بکند، آنچه را که بر وی حرام بوده حلال دانسته، و هر کس بدون اجازه، چیزی از اموال ما را بخورد، مثل این است که آتش می‌خورد و به زودی به آتش جهنم خواهد افتاد؛ و اما این که پرسیده‌ای شخصی املاکی را برای ما وقف می‌کند و بعد از وقف، به دست کسی می‌سپارد تا آن را آباد کند و مخارج خویش و زمین را از درآمد

آن بردارد و بقیه را به ناحیه ما بفرستد، آیا جایز است؟ این کارها برای کسی که از طرف واقف تعیین شده، جایز است؛ ولیکن برای غیر آن جایز نیست.^۱

در قسمتی از توقیعی دیگر، آن حضرت می‌فرمایند: «لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی باد که از مال ما درهمی را بخورد».^۲ معلوم می‌شود اموالی که مردم به سوی امام علیه السلام می‌فرستادند، چه به صورت هدایا، چه به صورت سهم امام علیه السلام یا به صورت نذر و وقف و امثال آن، در وصول آن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کوتاهی می‌شده و بعضی‌ها که آلوده به دنیای فانی بودند و ایمان در قلب آن‌ها راه نیافته بود، بلکه در ظاهر اظهار ایمان می‌کردند، با انتساب دروغین خود به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خواستند در آن اموال دستبرد زده و آن‌ها را ملک شخصی خود قرار دهند. و لذا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف روی این جهت تأکید فراوان دارد، تا هم خود این اشخاص متوجه شوند و هم مردم اموال را به دست افراد غیر مطمئن نسپارند. طبیعی است اموال امام صرف خدمت به مردم، ترویج دین، دستگیری از فقرا و سادات نیازمند و مرزبانی از دین می‌شود که توسط مردم و وکلای امام در این مسیرها می‌شود و حفظ و نگاهبانی از اموال امام توسط منتظران، هم نفعش به مردم و اجتماع می‌رسد و هم جلب رضایت امام را به دنبال می‌آورد و مردم وقتی آثار این اموال را ببینند بیشتر تشویق می‌شوند که از اموال خود قسمتی را نذر و وقف و اهدا کنند و به پرداخت خمس خود اهتمام بیشتری نمایند.

۱. کمال الدین ۲/۵۲۰؛ بحار الأنوار ۳/۱۸۳/۵۳.

۲. همان ۲/۵۲۲.

۲۱. همراه با وکالت

امامان ما پیوندشان را با گروه‌های شیعیان در مناطق مختلف از طریق وکلا و نمایندگان‌شان برقرار می‌نمودند. شواهد و مستندات تاریخی، نشان می‌دهد که از دوران امامت امام صادق علیه السلام به این سو، این برنامه توسعه بیشتری یافت هم به دلیل بعد مسافن بین مناطق شیعه‌نشین و مراکز استقرار امامان و هم به دلیل فشارهای حاکمان جور و دشواری ارتباط با امامان و هم به دلیل عدم دسترسی به امامان به دلیل حبس یا حصر و محدود کردن ایشان. به گزارش بعضی محققان تعداد وکلای ثبت شده امام صادق علیه السلام، ۶ نفر؛ امام کاظم علیه السلام، ۱۳ نفر؛ امام رضا علیه السلام، ۱۰ نفر؛ امام جواد علیه السلام، ۱۳ نفر؛ امام هادی علیه السلام، ۱۴ نفر؛ امام عسکری علیه السلام، ۲۱ نفر؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۴۵ نفر بوده‌اند که این وکلای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در نواحی مختلف شیعه‌نشین بودند که واسطه ارتباطی بین شیعیان و نواب اربعه را فراهم می‌آوردند مثل: مدینه، مکه، یمن، بحرین، مصر، مغرب، کوفه، بغداد، سامرا، بصره، واسط، مدائن، نصیبین، موصل، قم، آوه، ری، قزوین، همدان، دینور، قریسین، آذربایجان، اهواز، نواحی مختلف خراسان و ماوراءالنهر همچون: سبزوار، نیشابور، مرو، کابل، سمرقند، کش، بخارا و برخی از دیگر مناطق شیعه‌نشین ایران.^۱

۱. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، محمد رضا جباری.

نام تعدادی از وکلا و نمایندگان برجسته امامان در دوران پیش از غیبت صغری، و در عصر غیبت صغری، عبارتند از: معلی بن خنیس و نصر بن قابوس لخمی (وکلاي امام صادق علیه السلام)، مفضل بن عمر جعفی (وکیل امام صادق و کاظم علیهما السلام)، عبدالله بن جنذب بجلی (وکیل امام کاظم علیه السلام)، عبدالرحمن بن حجاج (وکیل امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام)، یونس بن یعقوب بجلی و عبدالعزیز بن مهتدی و صفوان بن یحیی بجلی (وکلاي امام رضا علیه السلام)، علی بن مهزیار اهوازی (وکیل امام رضا و امام جواد علیهم السلام)، طابراهیم بن مهزیار اهوازی (وکیل امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام)، زکریا بن آدم قمی (وکیل امام رضا و امام جواد علیهم السلام)، طابراهیم بن محمد بن یحیی همدانی (وکیل امام هادی و امام عسکری علیهم السلام)، هارون بن عمران همدانی (وکیل ناحیه مقدسه)، داود بن قاسم جعفری (وکیل امام هادی و عسکری علیهم السلام)، علی بن جعفر همائی (وکیل امام هادی علیه السلام)، ایوب بن نوح بن دراج نخعی (وکیل امام هادی علیه السلام)، احمد بن اسحاق اشعری قمی (وکیل امام هادی و عسکری و ناحیه مقدسه علیهم السلام)، حاجزین یزید و شاء و محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی و محمد بن شاذان نیشابوری و محمد بن احمد بن جعفر قمی قطان و احمد بن متیل قمی (وکلاي ناحیه مقدسه علیهم السلام).

البته موارد معدودی در تاریخ به چشم می خورد که برخی از وکلاي امامان علیهم السلام به خاطر دنیا دوستی، جاه طلبی، حسادت، عقاید و افکار باطل و افراطی و ... راه انحراف پوئیده و نهایتا

به خاطر شدت انحرافات خود از سوی امامان علیهم السلام طرد و عزل و به تبع آن، مطرود و منفور جامعه شیعه گشتند. نام آنان که ثبت شده بدین قرار است: علی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی، عثمان بن عیسی رواسی، احمد بن ابی بشر سراج، منصور بن یونس، حیان سراج، هشام بن ابراهیم راشدی عباسی، صالح بن محمد بن سهل، فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، عروه بن یحیی نخاس، احمد بن هلال کرخی عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، محمد بن علی شلمغانی.

چنان که پیشتر آمد در غیبت کبری، این نقش به فقهای با تقوی، دین نگهدار، مطیع امام و هوی گریز که وکلای عام شمرده می شوند واگذار شده است تا نقش تعلیمی و ارشادی و هدایتی و دریافت وجوه شرعی و مصرف در موارد تعیین شده از جمله احیا و ترویج و تبلیغ دین و مرزبانی از حریم اعتقادی و مقابله با منحرفان و فرقه های ضاله و شبهه پراکنان و نیز خدمات اجتماعی و امور عام المنفعه را ایفا نمایند. همراهی با این وکلای عام با ویژگی هایی که برای آنها مشخص گردیده، مدیریت اعتقادی و دینی را شکل می دهد و این که شیعیان، رها شده نیستند و امور هدایت شده است و امام فرموده اند که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنانم. اگر مردم ارتباط شان را با این وکلا حفظ نمایند و با آنها در مأموریت شان همراهی کنند، این سازمان مدیریتی در اهدافش موفق تر ظاهر خواهد شد.

۲۲. نوسازی بیعت

«بیعت» در اصطلاح به هر عمل و رفتاری اطلاق می‌شود که شخص به وسیله آن فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر امر و فرمان او نشان دهد. در آغاز اسلام دو طائفه اوس و خزرج موقع حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام ﷺ در عقبه بیعت کردند، برخورد آن‌ها با مسأله بیعت، برخورد با یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیغمبر ﷺ در فرصت‌های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد. پیامبر اسلام ﷺ بیعت زنان را نیز می‌پذیرفت؛ اما نه از راه دست دادن؛ بلکه دستور می‌داد ظرف بزرگی از آب حاضر کنند سپس دست خود را در یک طرف ظرف فرو می‌برد و زنان بیعت‌کننده در طرف دیگر. البته روشن است که برای پیامبر و امامان چون از طرف خدا منصوب می‌شوند نیازی به بیعت نیست اما این بیعت‌ها یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی انجام می‌گرفته است؛ به ویژه برای مقابله با بحران‌ها و حوادث سخت از آن استفاده می‌شده است، تا در سایه آن، روح تازه‌ای در کالبد افراد دمیده شود چنان‌که دو نمونه بیعت رضوان و بیعت با اهل مکه در قرآن آمده است.

همین امر در بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که جنبه تأکید بر وفاداری دارد. یکی از کارهای نخست ایشان هنگام ظهور، بیعت با یاران خود است. این بیعت، در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می‌گیرد و آن حضرت

با یاران خود بیعت خواهد کرد. اما در دوران غیبت به دلیل عدم ظهور امام، به بیعت زبانی اکتفا شده و ما با اقرارهایی که در پیشگاه حضرتش می‌نماییم، در واقع دست بیعت با او می‌دهیم. این اقرارها شامل شهادت و گواهی دادن ما نسبت به فضائل و خصائص و برکات حضرت است و اعلان اعتقاد به ظهور قطعی او و آن چه پس از ظهور، به دست مبارکش به وقوع می‌پیوندد و در نهایت عهد و پیمان محکم وفاداری است که با او می‌بندیم. این بیعت در دو مورد به صورت عملی نیز دستور داده شده است: یکی در «دعای عهد»^۱ منقول از امام صادق علیه السلام است که در آخر دعا، سه بار با دست راست به پای راست می‌زنیم و می‌گوییم: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» و دیگری در دعای زمان غیبت است که پس از دعا، دست راست را بر کف دست چپ می‌زنیم و گویی با آن حضرت دست بیعت می‌دهیم.

امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی، در وصف بیعت یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه چنین می‌فرماید: «... با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر سرفروود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، گرد همجنس بازی نگرایند، خوراکی را انبار نکنند، به کم قناعت

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد؛ بحار الأنوار ۲۸۴/۸۳.

کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند و از زشتی‌ها بازدارند...»^۱ از این رو منتظران هر روز با امام خویش بیعت نموده و وفاداری خود را نسبت به آن عهد دیرین اعلام می‌کنند. این عهد در واقع بیعت با پیامبر خدا ﷺ و ائمه اطهار عليهم السلام است؛ چراکه بیعت با هر امامی در واقع بیعت با امام قبلی است. از نشانه‌های پایبندی به عهد و میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ادای حقوق آن حضرت، مهیا شدن برای ظهور آن حضرت، دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت، زیارت آن حضرت، احسان به شیعیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و وظایف دیگری که در کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده است، از جمله کتاب مکیال المکارم که به آن‌ها پرداخته‌اند.

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه‌ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می‌شود؛ زیرا عشق و ولایت بدون عهده داری و مسئولیت‌پذیری، هوس و آرزوست. عهد، التزام خاص و نوعی تعهد‌پذیری در مقابل شخص یا کاری است. باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم، ملتزم سازیم و با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم. واژه‌های عهد و عقد و بیعت که در دعای عهد آمده، سه مرتبه از یک حقیقت‌اند با شدت و ضعف متفاوت که منجر به اطاعت از امام می‌شوند و اطاعت امام؛ یعنی به عهد و پیمان‌ها عمل کرد؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته‌های او کردن (که امام باقر عليه السلام فرمود: «رحم الله عبداً حبس نفسه

علینا و أحیا امرنا» یعنی خدا رحمت کند کسی که خود را وقف اوامر ما کند و امر ما را احیا نماید) و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواست‌ها و آرمان‌های او که همان خواسته‌های خداست، گام برداشتن و زمینه ظهور او فراهم ساختن و تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه و در یک کلام مهدوی شدن است و کارکرد این نوسازی و تجدید بیعت روزانه، اصلاح فرد و جامعه به خاطر محبت امام است.

۲۳. اجتماعات مهدوی

اکنون دیگر کمتر جایی از میهن ماست که محفل، انجمن، کانون، گروه، هیأت یا مراکز و مؤسسات فرهنگی، تبلیغی و اجتماعی با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی یا تحقیق و پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. رسانه‌های عمومی، مطبوعات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیز از این قافله عقب نمانده و با سرعت روزافزونی به سمت تولید آثار دیداری، شنیداری و نوشتاری مرتبط با فرهنگ مهدویت به پیش می‌روند اگرچه همگی خالی از نقص نیستند و راه بسیاری تا تکامل دارند. این اجتماعات سرمایه بزرگی هستند و می‌توانند نقش بزرگی در آشنا کردن مردم با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف مهدوی ایفا نمایند. حضور فعال در این اجتماعات که در آنها از فضائل و مناقب حضرت مهدی و اجداد بزرگوارشان سخن گفته می‌شود، از تکالیف مردم در عصر غیبت است. باید به این مجالس بها داد و آنها را پررونق کرد که این از علائم محبت به حضرت است.

امام صادق علیه السلام به فضیل فرمودند: آیا می‌نشینید و روایت و حدیث از ما می‌گویید؟ گفت: آری فدایت شوم. امام فرمود: همانا آن مجالس را دوست دارم؛ پس ای فضیل، امر ما را احیا (زنده) نمایید و خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا نماید.^۱ بی‌شک برپایی چنین مجالسی، سبب ترویج و نشر و توسعه دین خواهد شد؛ وگرنه بیم این می‌رود

۱. بحار الأنوار ج ۴۴ باب ۳۴.

که عده‌ای به دلیل نشناختن درست این باور و فرهنگ مهدوی و نداشتن بینش عمیق در این زمینه، تحت تأثیر برخی دشمنان و فرقه‌های گمراه علاوه بر این که خود دچار آسیب و انحراف عقیدتی شوند، فرهنگ ارزشمند مهدویت را نیز دچار آسیب سازند. در این اجتماعات باید افراد عالم و فاضل، مردم را با ابعاد فرهنگ انتظار و وظایف شان نسبت به امام آشنا نمایند.

بر تشکیل مجالس دعا برای تعجیل در فرج مولا نیز بسیار تأکید شده است. دعای گروهی به اجابت نزدیک‌تر است تا دعای فردی. چرا که با این کار افزون بر این که برای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا شده است کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امرامان از طریق بیان معارف دینی هم بیان می‌شود و حدیث‌هایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است، بازگومی‌گردد. در کتاب «مکیال المکارم» آمده: «یکی از تکلیف‌ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شود و خوبی‌ها، فضیلت‌ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد؛ چرا که این کارها رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگداشت و بالا بردن کلام خدا و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا و گرامیداشت مراسم و شعائر الهی و یاری نسبت به ولی پروردگار»^۱.

فواید دیگری هم برای برپایی این مجالس و اجتماعات می‌توان برشمرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «به دیدار یکدیگر بروید، زیرا این دید و بازدیدها موجب زنده شدن دل‌های شما و بازگو کردن و یادآوری حدیث‌های ماست. حدیث‌ها و سخنان ما باعث همبستگی و مهربانی بیشتر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد. اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید هدایت می‌شوید و نجات می‌یابید و اگر سخن ما را رها کردید گمراه می‌گردید و هلاک می‌شوید؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید من نیز ضامن و عهده‌دار نجات شما می‌باشم.»^۱ برپا ساختن این مجالس در بعضی از اوقات واجب است، و آن در زمانی است که مردم در معرض انحراف و گمراهی باشند و برپایی این مجالس، سبب جلوگیری از هلاکت دینی آنان و مایه ارشاد و راهنمایی ایشان به راه هدایت گردد، از جهت دلایل امر به معروف و نهی از منکر و راهنمایی اشخاص گمراه و عقب زدن اهل بدعت و گمراهی. و خداوند تعالی در همه احوال نگهدار حق جویان است.

۲۴. با منجی باوران

مشترکات اندیشگی بین فرهنگ‌ها موجب تعامل انسان‌ها با یکدیگر می‌شود. این سخن خداوند در قرآن است: «بگو: ای اهل کتاب، بیایید پیروی کنیم از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم».^۱ بی‌گمان، یکی از این مشترکات، باور و اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح جهانی است که سرانجام روزی به اذن خداوند تبارک و تعالی خواهد آمد و جهان را پراز عدل و داد می‌کند. این، در بیشتر فرهنگ‌ها وجود دارد که با عناوین متعددی از آن یاد شده است. در نزد همه منجی باوران، ظهور منجی امری مبارک و پدیده‌ای حتمی به شمار می‌رود، زیرا نجات از ظلم‌ها، تاریکی‌ها و پلیدی‌ها را در وجود او تعریف کرده‌اند.

رئیس انجمن موبدان زرتشتی، دکتر اردشیر خورشیدیان اهداف منجی را برقراری داد و راستی و درستی و آزادی و خلاصه همه نیکی‌ها در جهان عنوان کرد و گفت: بی‌تردید برای آن‌که «مهدی زمان» به اهداف خود دست یابد به انسان‌هایی دانا نیاز دارد. اعتقاد به آمدن سوشیانت در بین زرتشتیان و ماشیه در بین یهودیان یا بازگشت مسیح در بین مسیحیان یا آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین مسلمانان، میتریه در بین بودائیان و کریشنا در بین هندوها يك هدف و آرزو

۱. آل عمران: ۶۴.

را دنبال می‌کنند و آن برقراری داد و راستی و همه نیکی‌ها در جهان است و می‌تواند برای انسان يك جهش فکری ایجاد کند. او فرهنگ‌سازی برای ظهور مهدی زمان را حائز اهمیت دانست تا آمادگی فکری ایجاد شده و کار منجی زمان تسهیل شود. او اولین اشاره به ظهور منجی را در کتاب «گاتاها» دانست و گفت: در گاتاها به کلمه «سوشیانت» به معنای سود رسان‌ترین بشر آن زمان که از لحاظ معنوی به مرحله بسیار بالا رسیده باشد، اشاره شده، اشوزرتشت طی دوآیه در گاتاها خود را سوشیانت زمان می‌داند. در فرهنگ زرتشتی آمدن موعود آخرالزمان پایان گیتی نیست، بلکه پایان بدی‌ها و نارسایی‌هاست، از آن زمان به بعد ظلم، تعدی و بی‌عدالتی و گرفتاری‌های انسان‌ها پایان خواهد یافت و داد و راستی و نیکی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، این آرزویی محال و غیر قابل دسترس نیست و به‌طور حتم روزی انسان‌ها به این آرزو دست خواهند یافت»^۱.

چند دهه است که شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و در میان بیشتر اقوام، ملل و مذاهب رشدی شتابان یافته و مباحث مربوط به آخرالزمان شناسی و منجی‌گرایی و آینده‌پژوهی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. شایسته است پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به مدد انفاس قدسی حضرت بقية الله الأعظم - ارواحنا له الفداء - توجه روزافزونی در این زمینه با منجی باوران داشته باشند و از این اشتراک عقیده برای همدلی در جهت پاک‌سازی محیط از

فساد و تقویت روحیه امید در مردم و آشنایی بیشتر با منجی موعود بهره برند. برگزاری همایش از منجی باوران و نگارش کتاب‌ها و استفاده از فضای مجازی و رسانه‌ها برای تقریب دیدگاه‌ها از جمله کارهایی است که می‌توان انجام داد.

البته مستکبران جهانی سال‌هاست ستیز با مهدویت را در پیش گرفته و از راه‌های مختلف مثل تهیه فیلم‌های ضد دینی و ضد مهدوی مانند «مردی که فردا را دید» مشهور به «پیش‌گویی‌های نوسترآداموس» و نیز مهدی‌تراشی و حمایت از چنین حرکت‌هایی که باعث تردید مردم در اصل اندیشه مهدویت است؛ و همچنین تهیه بازی‌های کامپیوتری ضد دینی، ضد اخلاقی و ضد مهدوی برای تأثیرگذاری در تفکر و رفتار نسل آینده؛ مانند بازی کامپیوتری «جنگ خلیج فارس» یا «یا مهدی»؛ و نیز مقابله با حرکت‌های عدالت‌خواهی در جوامع دنیا و توسل به قدرت نظامی برای سرکوبی آن‌ها، مشغول فعالیت شدید هستند اما منتظران منجی موعود با وحدت و تعامل و کار فرهنگی عمیق می‌توانند به یاری صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این موج‌ها را بشکنند و سفیر مهربانی و صلح و عدالت باشند.

۲۵. توان‌افزایی

منجی باوران برای تحقق اهداف منجی، خود را مسئول می‌دانند و تلاش می‌کنند او را یاری کنند؛ این یاری کردن، نیاز به مهارت دارد. شما هرچقدر که منجی را دوست داشته باشید و بخواهید او را یاری نمایید ولی به دلیل عدم مهارت، قادر نباشید کاری برایش انجام دهید، کمکی به او نکرده‌اید. امروز در شرایط خاص قرن بیست و یکم و وفور رسانه‌ها و هجوم سنگین فرهنگی دشمنان دین و مهدویت، مرزبانان و یاوران مهدوی، آن گروه از مجاهدان و منتظرانند که علاوه بر ایمان و تقوی، خود را به فنون این جهاد فرهنگی مجهز کرده و شیوه‌های مقابله با انواع دشمنان این عرصه را آموخته باشند و برای دفع هجمات آنان در رشته تخصصی خویش آماده حضور و مقابله باشند یا با مهارت ویژه خود قلب‌های بیشتری را به سوی منجی، جذب نمایند و بر معتقدان و یاوران او بیفزایند.

روی سخن با نسل منجی باوری است که امام خود را شناخته و اکنون آماده پذیرش مسئولیت برای خدمتگزاری و مرزبانی است. مرزبانی مهدوی در شرایط ویژه زمان ما، نیاز به مرزبانانی مسلط به انواع این مهارت‌ها دارد. برنامه‌ریزی برای مهارت‌آموزی به نسل جدید از سنین نوجوانی ضروری است. اگر افراد، چند مهارتی باشند در جبهه‌های بیشتری می‌توانند خدمت کنند و مؤثر واقع شوند. بعضی مهارت‌ها مثل نویسندگی و سخنوری جنبه کلیدی و پایه‌ای دارند زیرا

در انواع رسانه‌ها و موقعیت‌ها کاربرد دارند که باید بیشتر روی آموزش مهارت آن دو تأکید شود. هرچه تسلط بر این دو مهارت بیشتر باشد، تأثیرگذاری افزون‌تر گشته و مخاطبان بیشتری جذب خواهند شد. جالب است بدانیم خداوند خود بر این دو مهارت تأکید نموده و خود را معلم آن به بشر اعلام نموده است: «الذی علّم بالقلم» (علق: ۴) و «علّمه البیان» (الرحمن: ۴) شاهد آن است.

چه کسی منکر تأثیر هنر در روح آدمی است؟ تأثیر شگرف هنر بر هیچکس پوشیده نیست؛ تسلط بر انواع هنرهای دیداری و شنیداری و نمایشی می‌تواند پیام‌های مهدوی را زیباتر، شیرین‌تر و دلنوازتر و روح‌پرورتر نماید. انواع شاخه‌های هنر از این قدرت برخوردارند و منجی باوران باید خود را به این مهارت مجهز کنند تا تأثیر فعالیت‌هایشان بیشتر گردد. مهارت دیگر، مهارت فناوری‌های نوین است که امروزه نقش آن‌ها در سامانه‌های ارتباطی، حرف اول را می‌زند در گستردگی جهانی و سرعت انتقال و دسترسی عموم به آن‌ها در گوشی‌های همراه و رایانه‌ها. بدون مهارت آی‌تی و آی‌سی‌تی، پیام شما فراگیر نمی‌شود و مخاطبان زیادی نخواهید داشت. مهارت دیگر، مهارت مدیریت زمان است یعنی فرایند طراحی و کنترل آگاهانه زمان به گونه‌ای که بیشترین بهره‌وری از ثانیه به ثانیه این سرمایه عظیم و از دست رفتنی انجام شود.

مهارت دیگر تسلط به زبان دوم است که کلید ارتباط با همه کسانی است که با آن زبان آشنا هستند. بسیاری از افراد

به دلیل جغرافیای زندگی شان یا آشنا نبودن با زبان عربی یا فارسی، با معارف مهدوی بیگانه‌اند، تسلط به زبان آن‌ها می‌تواند آن نقص را برطرف نموده و آنان را با منجی موعود آشنا کند. مهارت دیگر، مهارت مدیریت است. هنر اداره دیگران در جمع‌های کوچک و بزرگ، مهارتی است که تسلط بر آن، اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی را چند برابر می‌نماید و عدم آن موجب پراکندگی و گسیختگی شکل‌ها و دلخوری‌های افراد از یکدیگر و پایین آمدن راندمان فعالیت‌ها خواهد شد. مهارت مشارکت با دیگران به خصوص گروه‌های همسو، مهارت مذاکره و مناظره و مهارت حقوقی، مهارت کار تیمی، مهارت تنظیمات مالی، مهارت زندگی شهری، مهارت استفاده بهینه از مهاجرت و ده‌ها مهارت دیگر، منجی باوران را در پیشبرد اهداف شان نیرومندتر خواهد ساخت و تسلط بر همه این مهارت‌ها کارکرد آن عشقی است که منجی باوران به منجی خود و یاری او دارند.

۲۶. اقدام به مهاجرت

منجی باوران تشنه رساندن پیام منجی به سرزمین‌های نا آشنا با اویند و این کار را با مهاجرت به آن سرزمین‌ها تحقق می‌بخشند. به شهادت تاریخ، هجرت‌ها عامل حرکت‌ها و تحولات بزرگ تمدنی و پیشرفت علوم و تغییرات اجتماعی بوده است. هجرت در تاریخ اسلام هم جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد و در آیات متعددی از قرآن کریم به عنوان روشی برای توسعه و گسترش اسلام و خارج شدن از سلطه‌ی ظالمان و مستکبران مطرح شده است. پیامبر خدا ﷺ نیز آنگاه که آزار و فشار مشرکان در مکه به اوج خود رسید، با بهره‌گیری از هجرت به عنوان یک تاکتیک، دامنه فعالیت هدایتی خود را گسترش داد و به مدینه کشاند، و آئین خود را با این هجرت، جهانی نمود. هجرت امام رضا علیه السلام و علویان به ایران هم نقش بسیار بزرگی در پیوند مردم ایران با فرهنگ امامت داشت. در قرآن در بیش از چهارده آیه با تعبیرات گوناگون به هجرت دستور داده است، از جمله می‌فرماید: «مگر سرزمین خدا گسترده نبود، چرا هجرت نکردید؟!»^۱ و در آیه دیگر اجر مهاجران را عظیم شمرده و آن‌ها را رستگاران نامیده است.^۲

هجرت، انواعی دارد همچون هجرت از تاریکی به نور و از گناه به اطاعت، اما هجرت مشهور، دوری از وطن و رفتن به سرزمین‌های دیگر به قصد آموختن یا ترویج دین و

۱. نساء: ۹۷.

۲. توبه: ۲۰.

برون رفت از تضییقات وطن و یافتن فضای مناسب برای فعالیت تبلیغی است. در این میان هجرت به خاطر شناخت امام، از بزرگ‌ترین مصادیق هجرت شمرده شده است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «نام مهاجر را بر کسی نمی‌توان نهاد جز آنکه حجت خدا بر روی زمین را بشناسد؛ هر که او را شناخت و به او اقرار کرد، مهاجر است»^۱. امام حسین علیه السلام هم در تفسیر معرفة الله فرمود: «شناخت خدا، به این است که اهل تمام زمان‌ها، امام‌شان را بشناسند؛ امامی که اطاعت و پیروی از او واجب است»^۲. تا از طریق او به حقیقت معرفة الله نائل آیند. خداوند در آیه‌ای در قرآن، عذر مستضعفین را در باقی بودن بر کفر به خاطر ظلم مستکبران نپذیرفته و جایگاهشان را دوزخ قرار داده و فرموده چرا هجرت نکردید؟ مگر زمین خدا گسترده نبود؟^۳

یک نمونه از این مهاجران بزرگوار مرحوم شیخ صدوق رحمته الله علیه است که از زادگاه خود در قم به ری مهاجرت نمود تا مشکلات اعتقادی مردم به ویژه در موضوع غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را پاسخ گوید و باز به همین انگیزه مدتی به نیشابور هجرت نمود و آنجا ماند تا مبانی اعتقادی مردم را در موضوع امام غائب مستحکم گرداند. سفرهای این عالم بزرگوار به بلخ و بخارا و کوفه و بغداد و مکه و مدینه و همدان و سرخس و مرو و سمرقند و فرغانه و منطقه ایلاق در اطراف تاشکند (که کتاب من لا یحضره الفقیه را در آنجا نوشت) و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲. علل الشرایع ۱/۹.

۳. نساء: ۹۷.

شهرهای دیگر از ثمرات هجرت این عالم پرکار و پرتوفیق بوده است. ثمره هجرت‌های تحقیقی یا تبلیغی عالمان بزرگواری چون علامه امینی و سلطان الواعظین کتاب‌های الغدیر و شب‌های پیشاور بوده است. این مهاجرت‌های کوتاه‌مدت یا دراز مدت که بعضاً به اقامت هم می‌انجامیده نقش بزرگی در توسعه فرهنگ مهدوی داشته و خواهد داشت.

منجی باوران که می‌بینند سرزمین‌هایی در معرض تبلیغات فرقه‌های ضاله قرار دارند یا از وجود عالم، تهی هستند و مبلغ مهدوی ندارند تا آن‌ها را از چنبره شبهات دوران غیبت برهانند، سکوت و سکون را جایز نشموده و علیرغم وجود مشکلات زندگی در غربت، به آن مکان‌ها هجرت می‌کنند و سختی‌های آن را تحمل می‌نمایند و ماموریت تبلیغی خود را به انجام می‌رسانند و به اصطلاح، آن سرزمین‌ها را فتح تبلیغی می‌کنند و بر معتقدان به منجی می‌افزایند و یاران و دعاگویانش را زیاد

می‌گردانند لذا هجرت از کارکردهای مهم اعتقاد به منجی به شمار است و مشمول این آیه قرآن: «و هر که در راه خداوند هجرت کند، اقامتگاه‌های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه‌اش هجرت‌کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس مرگ، او را دریابد حتماً پاداش او بر خداوند است و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است»^۱.

۲۷. فسادستیزی

همه گرفتاری‌های بشر به خاطر وجود فساد است که زندگی او را تباه می‌کند: فساد اخلاق، فساد رفتار، فساد مالی، فساد حقوقی، تجاوز به حقوق دیگران، نزاع و جدال و جنگ. منجی موعود اصلاحگر است و ضد هرگونه فساد. وقتی او ستم سوز و عدل بنیاد است، می‌توان به حق او را قاطع و بُرنده چ ریشه کن ساز ستم و فساد دانست زیرا هر فسادی ریشه‌ای در ستم دارد چه ستم بر خود یا ستم بر دیگران. لذا در مورد منجی می‌گوییم: «این المعد لقطع دابر الظلمة؛ کجا است مهیا شده برای ریشه کن کردن نسل ستمگران!» در روایات فراوانی، به عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی حضرت اشاره شده است: «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا».^۱ کسانی خواهند توانست همراه او برای قطع ریشه‌های ظلم و بی‌عدالتی، کمر همت بسته و در این مسیر استوار بمانند که خود، از ظلم‌گریزان بوده و خویشان را از جور و ستم پیراسته باشند؛ چرا که حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ، از ظالمان و فاسدان به عنوان بازوی خود، استفاده نخواهد کرد.

ظلم، مصادیق فراوانی دارد؛ مانند ظلم به خویشان (فروختن خویشان به ارزان‌تر از لقای حق و ضایع ساختن استعدادها و توان‌مندی‌های معنوی خود) و ظلم به خانواده، دوستان و جامعه و هم‌چنین احتکار، اسراف، سلب آسایش عمومی، اهمال در حقوق دیگران که همه از مصادیق ظلم

۱. دعای ندبه.

۲. غیبة طوسی/۵۲.

است و مرتکبان آن، بیرون از محفل یاران حضرت خواهند بود. باز خطاب به منجی می‌گوییم: «این مبین اهل الفسوق و العصیان و الطغیان؛ کجا است آن بنیان کن اصحاب فسق و عصیان و طغیان!» که تأکید می‌نماید برنام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مبارزه با اهل فسق و نافرمانی است و زندگی یارانش از این آلودگی‌ها پاک است. آنان، هم چنان که با خدای خود عهد بسته‌اند که از اطاعت او سرنییچند، با ولی او نیز پیمان بسته‌اند که از محارم الهی چشم‌پوشند.

در طول تاریخ - به جز بعضی از زمان‌ها - به سبب بهره‌مندی عده‌ای از زر و زور و به کاربردن حيله و تزویر و فساد، غلبه و عزت ظاهری برای جبهه باطل بوده است و مؤمنان و پارسایان واقعی، به ظاهر زبون و خوار و در چشمان کوتاه بین دنیاپرستان، کم ارزش و زبون بوده‌اند. و آن حضرت می‌آید تا به این ستم تاریخی پایان دهد و عزت واقعی مؤمنان را در ظاهر نیز نمایان سازد و بی‌مایگی و بی‌پایگی عزت ظاهری جبهه فساد را بر ملا کند. کسانی خواهند توانست با او در پیمودن این مسیر، همراه و هم قدم باشند که به اصلاح و پاکی و عدل با تمام وجود اعتقاد داشته باشند و باطل و فساد را - با تمام ظاهر فریبنده و پرهیاهوی خیره‌کننده‌اش - ذلیل و زبون بدانند، نه این‌که در برابر اهل دنیا و اربابان زرو زور، خاکسار و فروتن باشند و در برابر مؤمنان تهی دست، متکبر و مغرور! امام علی ع در تفسیر آیه «...اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين؛ فرموده است: «هم اصحاب القائم: آنان، یاران امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.»^۲

۱. دعای ندبه.

۲. منتخب الاثر/۴۷۵.

کارکرد ظلم ستیزی و فساد سوزی امام، الگوی رفتاری بودن برای منجی باوران است. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام می فرماید: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اصحاب خود بیعت می گیرد که دزدی نکنند، دامن شان را به آلودگی نیالایند، مسلمانی را دشنام ندهند، کسی را به ناحق نکشند، ... کسی را نزنند مگر این که مستحق آن باشد، ... مال یتیم را نخورند، ... شراب ننوشند «انه ياخذ البيعة عن اصحابه علي ان لا يسرقوا و لا يزنوا و لا يسبوا مسلما و لا يقتلوا محرما... و لا يضربوا احدا الا بالحق... و لا ياكلوا مال اليتيم... و لا يشربوا مسكراً»^۱ و در وصف آن یاوران با فضیلت می فرماید: پدر و مادرم فدای آن گروه اندکی باد که در زمین ناشناخته اند؛ آنان خوبان امت اند با نیکان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله: «فبابی و امی من عدة قليلة اسمائهم فی الارض مجهولة»^۲ «اولئک هم خيار الامة مع ابرار العترة»^۳.

۱.

۲. معجم احادیث المهدی ۳/۱۰۱.

۳. يوم الخلاص/ ۲۲۴.

۲۸. ایستادگی

استقامت و ایستادگی نیز از ویژگی‌های یاوران منجی عدالت گستر است. همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازمند استقامت و پایداری و ثبات قدم است. چرا که در عالم بسیار بودند کسانی که ادعای همراهی با امام زمانشان را داشتند، اما پس از مدتی یاری امام و اطاعت و تبعیت، از مسیر جدا شدند و میدان را ترک کردند و استقامت خود را بعد از مدتی از دست دادند. خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: مه‌راسید و غمگین مباحثید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»^۱ اگر این پایبندی وجود نداشته باشد، فرد می‌برد یعنی هر روزی به یک طرف می‌رود و با هر حادثه‌ای به سوئی کشانده می‌شود. خداوند پیامبر و مؤمنان با این آیه، دستور به استقامت و ایستادگی داده است: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَن تَابَ مَعَكَ»^۲ تو و هر که با توست استقامت کنید که به آن مأمورید.

امام صادق علیه السلام در مورد یاران منجی موعود فرمود: می‌فرماید: «برای صاحب الامر غیبتی خواهد بود. هر کس در روزگار غیبت او دین خود را حفظ کند، مانند کسی است که تیغ‌های تیز گیاه قتاد را با دستش، صاف و هموار سازد؛

۱. فصلت: ۳۰.

۲. هود: ۱۱۲.

سپس حضرت با دست [مبارک] خویش اشاره فرمود که چگونه با دست، تیغ‌های قتاد را باید هموار ساخت. آن‌گاه افزود: کدام‌یک از شما تا به حال توانسته است، خارهای خنجرگونه قتاد را به دست بگیرد؟ سپس حضرت سر به زیر افکند و مدتی سکوت کرد؛ آن‌گاه افزود: برای صاحب این امر، غیبتی است که در روزگار دشوار غیبت، هر بنده خدایی باید تقوا پیشه کند و دینش را حفظ نماید.^۱ یعنی در چنین شرایط سختی، پایداری نماید. در روایتی دیگر، آمده است: «کسی که در روزگار قائم ما، در امر ولایت ما ثابت قدم و استوار باقی بماند و نلغزد، چنان است که خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای جنگ‌های بدر و احد به آنان عطا می‌فرماید».^۲

در مورد این ثابتان و ایستادگان در غیبت، امام باقر علیه السلام هم می‌فرماید: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوای ایشان از [چشم] آنان غایب و پنهان می‌گردد. پس خوشا بر احوال کسانی که در آن زمان (غیبت در امر ولایت) ثابت قدم و استوار می‌مانند».^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله هم اینان را چنین توصیف فرموده است: «بار الها! مرا به دیدار برادرانم نایل گردان... هر یک از ایشان در پایداری و استواری در دین، از کسی که در دل تیره شب، شاخه پرتیغ گیاه قتاد را با کف دست صاف و هموار می‌سازد، پایدارتر است؛ یا همانند کسی که صبورانه پاره آتشی را بردست گیرد و در آن حال در دین خویش استوار باشد. آری، ایشان چراغ‌های هدایت [در شب تاریک و

۱. بحار الأنوار ۵۲/۱۳۵.

۲. همان.

۳. همان.

دیجور] هستند. خداوند ایشان را از هر فتنه تیره و تار رهایی می بخشد».^۱

در نگاه امام ششم علیه السلام، دل های یاوران منجی موعود «مانند پاره های آهن است، هیچ گونه تردیدی در آنها راه ندارد، در اعتقادشان به خدا از صخره و سنگ محکم ترند»^۲؛ «اگر به کوهها هجوم برند آنها را از پای در می آورند».^۳ «آنان در کارزار همانند شیرانی هستند که از بیشه های خود بیرون آمده اند و هیچ چیز جلو دارشان نیست. اگر اراده کنند کوهها را از جای خود بر می کنند و از موانع می گذرند و خاکریزهای دشمن را یکی پس از دیگری فتح می کنند».^۴ این باور در مورد استقامت یاران امام، کارکردی شگفت در دوران غیبت خواهد داشت که یاران، خود را برای هر نوع دشواری آماده کنند و از همه شرایط سخت، سربلند و پیروز بیرون آیند.

۱. همان ۵۲/۱۲۴.

۲. همان ۵۲/۳۰۸.

۳. همان ۵۲/۳۱۶.

۴. یوم الخلاص ۱/۴۱۴.

۲۹. التزام به شریعت

حاکمان جور و تحریف گران در طول دوران غیبت، احکام الاهی را متروک گزارده به نوعی که امور واجب (فرائض) و امور استحبابی (سنن) به فراموشی سپرده شده و اجرا نمی شود و یا نوع تحریف شده ای از آن ها مرسوم گشته است.

لذا از امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف، با عنوان مجدد و احیاگر ملت و شریعت و فرائض و سنن، یاد شده است: «أَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَخُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ؟»^۱ کجاست آن ذخیره شده برای تجدید فریضه ها و سنت ها؟ کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت؟ کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟ کجاست احیاگر نشانه های دین و اهل آن؟

منجی موعود اسلام، ملت و شریعت را چنان که بوده است، احیا و زنده می دارد و به اجرا می گزارد. مراد از ملت و شریعتی که باید به وسیله او احیا شود و به دست با کفایت او انجام گیرد همان ملت و طریقه حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است که خداوند در قرآن کریم به پیغمبرش دستور فرموده که از ملت او پیروی نما: «ثم اوحينا اليك ان اتبع ملة ابراهيم حنيفا»^۲ آن گاه ما به تو وحی کردیم که ملت و طریقه و روش معتدل ابراهیم را که از مشرکان نبود، پیروی کن، یعنی در دعوت به توحید

۱. دعای ندبه، مفاتیح الجنان.

۲. نحل: ۱۲۳.

و نفی شرك و بت پرستی به تمام اقسام آن، و عمل به سنت و آداب از او پیروی نما. امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «کسی جز ما و شیعیان ما بر ملت و روش ابراهیم نیست و سایر مردم از این روش و طریقه دورند». بنا بر این امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان شیوه و ملت و شریعت الاهی را تجدید نموده و به اجرا می‌گزارد.

شریعت به حسب لغت، راه روشن و آشکاری است که آدمی را به لب آب می‌رساند. و آئین دین را هم که شریعت گویند به آن تشبیه شده، چون همان قسم که آب سبب حیات دنیائی و زندگی موجود زنده است و بدان بستگی دارد، شریعت هم سبب حیات ابدی و سعادت دنیا و آخرت است، و این راه روشن را شریعت گویند که خداوند توسط پیامبر برای مردم فرستاده و دستور پیروی از آن را داده است: «ثم جعلناك على شريعة من الأمر فاتبعها»؛ ما تو را هم بر شریعتی از امر دین قرار دادیم پس همان را پیروی کن. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، شریعت دیگری نمی‌آورد بلکه همان شریعت را که در گذشت روزگاران، متروک و فراموش یا جایجا شده است، دوباره احیا می‌نماید.

منجی باوران، همچون امام‌شان، همه همت خود را مصروف می‌دارند که بر محور شریعت حرکت کنند و احکام شریعت را همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، برپا دارند. تا آنجا که می‌توانند با بدعت‌ها و نوآورده‌ها در امر دین مبارزه کنند و جز احکام قرآن و سنن پیامبر را اجرا نکنند تا به امامشان،

۱. تفسیر صافی، ذیل آیه.

۲. جائیه: ۱۸.

شبیه شوند. این سخن بسیار سخیف و باطلی است که جز از یک اندیشه باطل بر نمی خیزد که مؤمنان بر ستم و فساد و حرام می افزایند تا منجی بیاید! کدام عقل بیمار چنین حکمی می دهد؟!

منتظران پاکی، به پاکی می گرایند تا امام پاکان را خوشنود سازند. اهل ملت و شریعت ابراهیم و اسلام، شریعت را پیروی می کنند تا احیاگر و مجدد شریعت یعنی همان منجی موعود را دلشاد نمایند لذا کارکرد انتظار منجی باوران، اصرار بیشتر بر اجرای شریعت در روزگاران غیبت است.

۳۰. نظارت عمومی

این که قوانین و احکام یک نظام یا یک دین، چگونه اجرا می شود یا در اجرا با چه کاستی هایی روبه روست یا نقائص آن در اجرا و توسط مجریان چگونه برطرف شود، با سیستم نظارتی آن هم نظارت عمومی است. هم توسط خود دین این ضمانت اجرا انجام می شود و هم ضمانت اجرای عمومی که همگان را موظف به نظارت بر اجرای مقررات می نماید. این نظارت عمومی را امر به معروف و نهی از منکر گویند. قرآن کریم می فرماید: «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون»^۱؛ باید از شما امتی باشد که به خیر دعوت کرده و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان همان رستگارانند. این آموزه یک شبکه گسترده فرهنگی و اجرایی از مجموعه افراد ملت به وجود می آورد که در آن هر فردی در مقابل آن چه که در محیط اطرافش می گذرد بی تفاوت نمی ماند، کارهای نادرست را مورد انکار و نهی قرار می دهد و انجام دهنده اش را به واقعیت آشنا و از آن برحذر می دارد و بر کارهای خوب تأکید می کند. مسئولیت نظارت همگانی به عنوان یکی از وظائف مؤمنان، جامعه را به سوی تمدن و پیشرفت و ترقی سوق می دهد لذا قرآن می فرماید شما بهترین امت خواهید بود اگر امر به معروف و نهی از منکر نمایید.^۲ یعنی با اصل امر به معروف و نهی از

۱. آل عمران: ۱۰۴.

۲. همان: ۱۱۰.

منکر، همه افراد در برابر سلامت جامعه مسئول اند و در صدد مبارزه با مفاسد و آلودگی ها بر می آیند و با انجام این وظیفه به نابسامانی های اجتماعی پایان می دهند. امام باقر علیه السلام فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت بزرگی است که با آن همه فرائض و واجبات برپا می شود، راه ها با آن امن می گردد. کسب و کار مردم حلال می شود. حقوق افراد تأمین می گردد. در پرتو آن زمین آباد می شود، از دشمن انتقام گرفته می شود و همه کارها روبه راه می گردد»^۱.

این نظارت عمومی یعنی امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه ای عقلی است زیرا انسان ها در اجتماع زندگی می کنند و بین آن ها پیوند اجتماعی برقرار است هیچ کار بدی در اجتماع انسانی به نقطه خاصی محدود نمی شود. بلکه هر چه باشد همانند آتشی ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند پس به حکم عقل باید جلوی سرایت این آتش را گرفت تا دیگران به آثار سوء آن مبتلا نشوند و به عبارت دیگر: به لحاظ این که در اجتماع اگرزیانی متوجه آن گردد، ضرری اجتماعی است و به دلیل عقل، افراد اجتماع باید محیط زیست خود را پاک نگهدارند و برای پاک نگه داشتن آن از هرگونه تلاش و کوششی خودداری نکنند. لذا بر هر انسانی لازم است دیگران را با دلسوزی راهنمایی کرده و آن ها را به کار خیر تشویق و از خطر و انحراف جلوگیری کنند. در تورات و انجیل وقتی پیامبر اسلام را معرفی می کند می فرماید: «یا مرهم بالمعروف وینهاهم عن المنکر»^۲؛ این پیامبر شما را به معروف امر و از

۱. وسائل الشیعه ۱۶/۱۱۹.

۲. اعراف: ۱۵۷.

منکر نهی می نماید. بنابراین همه پیامبران الهی و شایستگان برای اصلاح مردم و برقراری سامان اجتماعی این وظیفه بزرگ را انجام می داده و می دهند.

یاران منجی موعود، این نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) را فرو نمی گذارند و در هر جامعه و در هر شرایطی که باشند به سهم خود در اصلاح کجی ها و هدایت به سوی خیرها، اقداماتی انجام داده و محیط خود را پاک می کنند. هرگز جذب فاسدان و فسادها نمی شوند؛ در جامعه ناپاک، هضم نمی شوند؛ از این که به آن ها انگ مرتجع زده شود، نمی هراسند و به اندازه وسع خود و شعاع تاثیر کلام و اقدام خود، این اقدام آسمانی را پاس می دارند زیرا امام عدالت گستر خود را مصداق همه خیرها و معروف ها می دانند که هر منکری را بر نمی تابد و انتظار دارد یاران او هم در حد توان مجری این آموزه ببینند که همه انبیاء و اولیاء به آن عامل بوده اند. با توجه به این که خدا به مؤمنان و کسانی که عمل صالح انجام دهند، وعده حکومت الهی داده است، از آن ها می خواهد که وقتی به زمامداری رسیدند آن ها نیز باید به عهد خود وفا کنند «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکات و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور»؛ آن ها کسانی هستند که هرگاه در روی زمین به آن ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و در تمام این امور یاد شده، هدف شان خداست.

۳۱. عرض اعمال

از باورهای قطعی شیعیان این است که امامان از اعمال آنها آگاهند و گزارش کارهای ایشان خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می‌شود. در قرآن در این زمینه چنین آمده است: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۱ و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی، خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار باز گردانیده می‌شوید. پس شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. در جوامع روایی شیعه روایت شده که اعمال این امت در هر روز دوشنبه و پنج‌شنبه بر پیامبر عرضه و ایشان از آنها آگاه می‌شود. این اعمال بر امامان هدایت نیز عرضه می‌شود و آنها از اعمال مردم مطلع می‌شوند و مراد از «مؤمنان» در این آیه نیز همان‌ها هستند.^۲

ابوبصیر در روایتی از امام صادق عليه السلام چنین نقل می‌کند: اعمال نیک و بد همه بندگان هر صبح‌گاه بر پیامبر خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - عرضه می‌شود. پس مراقب باشید. این سخن خدای تعالی است که: «و بگو [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبرش در کردار شما خواهند نگرست»^۳. در روایت دیگری،

۱. توبه: ۱۰۵.

۲. مجمع البیان ۵/۶۹.

۳. الکافی ۱/۲۱۹ ح ۱.

سَمَاعَهُ نَقَلَ مِی كُنْد كِه اِمَام صَادِق علیه السلام فَرَمُود: «چرا فرستاده خدا را اندوهگین می سازید؟» مردی پرسید: چگونه ما او را اندوهگین می سازیم؟ و آن حضرت در پاسخش فرمود: «مگر نمی دانید که اعمال شما بر آن حضرت عرضه می شود و چون گناهی در آن ببیند، اندوهگین می شود؟ پس فرستاده خدا را اندوهگین نکنید و او را شادمان سازید.^۱ این ویژگی از آن حجت های الهی در هر عصر است و امامان معصوم علیهم السلام نیز چنان که خود در موارد متعددی بیان فرموده اند، چون پیامبر خاتم صلوات الله علیه از این ویژگی برخوردارند. یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام نیز می گوید: روزی به امام رضا علیه السلام عرض کردم: برای من و خانواده ام به درگاه خدا دعا کنید و آن حضرت فرمود: «أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ. مگر دعا نمی کنم؟ به خدا سوگند که اعمال شما در هر صبح و شام بر من عرضه می شود».^۲

از این بالاتر علم و مهر امام به شیعیان خود است. امیرمؤمنان علیه السلام به رمیله فرمود: «ای رمیله! هیچ مؤمنی بیمار نمی شود، مگر این که ما هم با بیماری او بیمار می شویم و هیچ مؤمنی اندوهگین نمی شود، مگر این که ما هم با اندوه او اندوهگین می شویم و هیچ مؤمنی دعا نمی کند، مگر این که ما برای دعای او آمین می گوییم و هیچ مؤمنی سکوت نمی کند، مگر این که ما برای او دعا می کنیم» به آن حضرت گفتم: ای امیرمؤمنان! خدا مرا فدای شما گرداند، آیا آنچه فرمودید تنها درباره کسانی است که در این مفر حکومت به همراه شما آیند

۱. همان، ح ۳.

۲. همان، ح ۴.

یا شامل کسانی هم که در سرتاسر زمین هستند، نیز می شود؟»
فرمود: «یا زَمَيْلَةُ لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا
غَرْبِهَا؛ ای رمیله! هیچ مؤمنی چه در شرق زمین و چه در غرب
آن از چشم ما پنهان نیست.»^۱

امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نیز در یکی از توقیعات شریف خود که
خطاب به شیخ مفید رحمته الله علیه صادر شده به آگاهی کامل خود
از احوال شیعیان اشاره کرده است: فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ
وَ لَا يَغْزِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ^۲: ما بر احوال شما آگاهیم
و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. اکنون ببینید
حال مهدی باوران در زندگی شان چگونه خواهد بود وقتی
بدانند گزارش همه کارهاشان، به امام شان داده می شود و
آن ها از اعمال ایشان با خبر می شوند؟ کارکرد این باور یعنی
اطلاع منجی موعود از رفتارهای باورمندان، قوی ترین برنامه
تربیتی و انسان سازی است برای آن ها که در لحظه لحظه
زندگی، آن ها را به سوی پاکی و صلاح، هدایت می نماید.

۱. بصائر الدرجات/ ۲۵۹ ح ۱.

۲. الاحتجاج ۲/ ۵۹۸؛ بحار الأنوار ۱۷۵/ ۵۳.

۳۲. توسل و تمسک

دستور تمسک به اهل بیت را از پیامبر ﷺ گرفته ایم آنجا که چندین بار فرمود: «من دارم می روم، پس دو چیز را بین شما می گذارم: قرآن و اهل بیت من و آن ها هرگز از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض [در بهشت] بر من وارد شوند؛ اگر به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نمی شوید». ^۱ در کنار قرآن که کتاب هدایت است، امامان علیهم السلام روشن ترین مصداق وسیه هدایت و محکم ترین ریسمان برای تقرب به خدا می باشند. واسطه قرار دادن اولیای الهی و توسل به آنان برای گره گشایی در زندگی، در عرض دعا و استغاثه و استغفار از محضر خدا و توسل به وجود حق تعالی، نمی باشد، بلکه در طول هم قرار دارند و این نحوه وساطت در واقع نقش مکمل دارد. پیامبر می فرماید آن دو با هم هستند و از هم جدا نمی شوند و اگر به هر دو متمسک شوید، گمراه نمی شوید: «لن تضلّوا بعدی».

کسانی است که یا اهل بیت را می گیرند، قرآن را رها می کنند و یا قرآن را می گیرند و اهل بیت را ترک می کنند به فرموده پیامبر ﷺ به ضلالت می افتند و از «ضالین» می شوند که در نماز از خدا می خواهید که جزو ضالین نباشید. اگر می خواهید از «ضالین» نباشید، اگر می خواهید هرگز، منحرف نشوید هم قرآن و هم اهل بیت! یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد. کسانی که کتاب را گرفتند و معلم

۱. بحار الأنوار، ۲/۹۹؛ صحیح ترمذی، ۵/۶۶۲ و ۳۲۸؛ مستدرک حاکم، ۳/۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۸، ۵۳۳؛ سنن ابن ماجه، ۲/۴۳۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۳/۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹، ج ۴/۳۶۶، ۳۷۲-۳۷۰.

را گمراه شدند. آن‌هایی هم که به معلم گوش می‌دهند ولی به کتاب توجهی نمی‌کنند، آن‌ها هم موفق نمی‌شوند. اگر می‌خواهید شاگرد خوبی باشید، هم به کتاب (قرآن) و هم به معلم (اهل بیت) تمسک جویید. یعنی همان‌طور که به قرآن متمسک می‌شوید و به رهنمودهایش عمل می‌کنید، به فرموده‌های امامان نیز متمسک شوید و رهنمودهایشان را عمل کنید.

از عبارت «هرگز از هم جدا نمی‌شوند» در می‌یابیم تا قرآن هست، اهل بیت هم هست و باید الآن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود داشته باشد. اگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نباشد، قرآن هم نخواهد بود زیرا نمی‌شود قرآن باشد و اهل بیت نباشد لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لن یفترقا». از نظر قرآن، مؤمنان می‌بایست به عروة الوثقی الهی که امروز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، تمسک جویند تا گمراه نشوند؛ زیرا عدم تمسک به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان حبل الله، چیزی جز کفر و گرفتاری به عذاب‌های دنیوی و اخروی نیست. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف «اولی الامر» و «خليفة الله» است و توسل و تمسک به حبل ولای او، همچون تمسک به حبل الاهی است و موجب هدایت و سعادت دنیا و آخرت خواهد بود چنان‌که پیامبر فرمود در بهشت بر من وارد خواهند شد.

نشانه‌ها و آثار تمسک به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در منجی باوران، این است که امام را به عنوان خليفة الله، باور قلبی داشته باشد و در همه امور به ایشان توجه نماید و نظر ایشان را بر

نظر خود مقدم بدارد و در مشکلات از ایشان کمک بخواهد و رضای ایشان را بجوید و در پی خشنودی ایشان باشد و در یک کلام دامن ایشان را رها نکند. تعبیر استعاری «چنگ زدن به ریسمان» که همان «تمسک بحبل الله» است تشبیه جالبی است برای فهم تجسمی انسانی که در چاه مشکلات زمانه و در پرتگاه‌های فتنه‌های دوران، با گرفتن ریسمان آل الله، خود را از سقوط در حضيض گمراهی‌ها و تباهی‌ها، نجات می‌بخشد و با رسانده خود به منجی دوران به سعادت می‌رساند. این کارکرد توسل و تمسک، منجی باوران را در روزگاران غیبت، از رفتن به سوی نااهلان و اغیار، باز می‌دارد و به سوی آل الله می‌کشاند.

۳۳. اوقاف مهدوی

مهدی باوران به عشق مولای خود، بخشی از اموال خود را به نام ایشان وقف می‌کنند تا در خدمت به مردم و اجتماع قرار گیرد. یکی از جلوه‌های زیبای اسلام، سنت حسنه وقف است که برکات و آثار فراوانی برای جامعه داشته و دارد. واقفین و نیک‌اندیشان بنا بر شرایط و نیازهای زمان از دارایی‌های خود در زمینه‌های مختلف، چیزهای متنوع و بسیاری را در موضوعات فرهنگی، آموزشی، خدماتی و درمانی و... وقف نموده و خدمات بزرگی به فرهنگ و تمدن اسلامی نموده‌اند. وقف یعنی؛ «حبس کردن» ثروتی از طرف مالکش به وجهی از وجوه، به نحوی که فروش آن ممنوع باشد؛ به ارث منتقل نگردد؛ قابل هدیه نباشد و در جهتی که واقف تعیین کرده است، صرف گردد. بدین ترتیب ثروتی در خدمت عموم (اگر وقف، عام باشد) و یا نیازمندی خاص (اگر وقف، خاص باشد) قرار می‌گیرد و کسی هم حق ندارد در غیرنیت واقف، آن وقف را تغییر دهد و سال‌های سال، آن وقف، منشأ خیر برای مردم خواهد بود.

یکی از بهترین و مؤثرترین شیوه‌های تکافل اجتماعی، بذل و بخشش، انفاق در راه خداوند متعال و کمک به هم‌نوعان، وقف است. ضمن آنکه وقتی به سیره اهل بیت علیهم‌السلام توجه می‌کنیم، در می‌یابیم آن‌هایی که امام ما هستند، و در آخرت هیچ‌یک از انسان‌ها به رتبه و مقام آن‌ها نمی‌رسند و نزد خداوند متعال، جایگاه والایی دارند، به این مسأله توجه

خاصی داشته و موقوفات بسیاری از خود به جای گذاشتند. امیرمؤمنان علیه السلام موقوفات فراوانی از خود به یادگار گذاشتند. آن حضرت، بعد از وقف می فرمود: «خدایا این را وقف نمودم تا آتش قیامت را از من دور گردانی». امام باقر علیه السلام فرمود: «چگونه مردم می توانند از کارهای خیر منصرف شوند؟ در صورتی که حضرت علی علیه السلام در حالی که بهشت بروی واجب شده بود، اموالی را برای فقرا وقف کرد و فرمود: خدایا این مال را برای این جهت صدقه قرار دادم که صورت مرا از آتش دوزخ دور سازی». ^۱ خداوند متعال می فرماید: (وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) هرچه از نیکی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت. ^۲

در این میان، «وقف برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف» جایگاه و رتبه ای والا دارد. وقف مهدوی، احساس مسئولیت منتظران در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و عینیت بخشیدن به اهداف آن حضرت است و قطعاً نقش بسزایی در توجه دادن مردم به ایشان و اعتلای نام و یاد و راه آن بزرگوار و آماده نمودن و زمینه سازی برای ظهور دارد. وقف مهدوی با توجه به تعریف فقهی آن به معنای این است که جهت و سمت و سوی وقف، درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد. به عبارت دیگر واقف با نیت و انگیزه رشد و توسعه فرهنگ مهدویت، چیزی را در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، تقدیم امام و وقف نماید. این وقف ها، هم مهر منتظران را به منجی موعود می رساند و هم صدقه جاریه ای

۱. مستدرک الوسائل ۵۱۱/۲.

۲. بقره: ۱۱۰.

است که در کارنامه آنها ثبت می‌شود و هم موجب تشکر مردم از امام و خیراتی که به نام امام است، می‌شود.

امروز هویت ما و هویت شیعه در وجود حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه‌گر است و می‌بایست در این عرصه ورود جدی داشت. یکی از بهترین ساختارها وقف است که بتوانیم برای ترویج فرهنگ مهدویت وقف کنیم از جمله وقف برای نیمه شعبان، وقف برای نهم ربیع یا وقف کردن برای اماکنی که تجلی‌گاه معارف مهدوی و خدمات عمومی به نام حضرت است مانند مسجد، مهدیه، مدرسه و درمانگاه و خیریه و قرض الحسنه و دارالایتام و کتابخانه و نشرکتب و برگزاری تبلیغات مهدوی و ... است. همه استان‌های کشور در زمینه وقف، فعال بوده‌اند. برای نمونه استان یزد با داشتن حدود ۱۴ هزار موقوفه و ۴۳ هزار رقبه، از استان‌های برتر در کشور محسوب می‌شود. در بین موقوفات استان، ۳۵ موقوفه فقط مربوط به نیمه شعبان یا احیای شب نیمه شعبان است و شهرستان اردکان با ۲۰ موقوفه بیشترین موقوفات شعبان را به خود اختصاص داده و سپس میبد، یزد و تفت در ردیف‌های بعدی قرار دارند که از جمله موقوفاتی که در اردکان بیشترین تعداد رقبات را دارد، موقوفه «ملاعباس احمدی» با نیت اطعام و توزیع شیرینی در شب نیمه شعبان به ثبت رسیده است.

۳۴. عمل به نیابت

«نیابت» یعنی ماموریت یافتن از سوی کسی برای انجام یک عمل عبادی یا غیر عبادی برای او. موسی بن ابوالقاسم می‌گوید: به حضرت جواد علیه السلام عرض کردم، که من تصمیم دارم از طرف شما و پدرتان طواف کعبه نمایم، ولی بعضی می‌گویند که از برای اوصیا، طواف کردن جایز نیست. امام فرمود: بلکه طواف کن و هر چه می‌توانی این کار را انجام بده که جایز است. موسی می‌گوید: پس از سه سال بار دیگر به محضر آن حضرت شرفیاب شدم

و عرض کردم: مولای من! چند سال پیش از شما اجازه گرفتم تا برای شما طواف کنم، بر دلم چیزی گذشت و عمل کردم. امام فرمود: چه گذشت؟ عرض کردم یک روز را اختصاص به رسول خدا صلی الله علیه و آله، روز دیگر را برای امیرالمؤمنین، روز بعد امام حسن و بعد امام حسین علیه السلام تا دهمین روز که برای شما طواف کردم... امام فرمود: در این هنگام متدین به دینی شدی که خداوند غیر آن را از بندگانش نمی‌پذیرد. عرض کردم گاهی برای مادرت حضرت فاطمه علیها السلام طواف می‌کنم و گاهی موفق نمی‌شوم. به من پاسخ فرمود: این کار را زیاد انجام بده که ان شاء الله از بهترین اعمال و کارهایی است که انجام می‌دهی»^۱.

داوود صرمی در حدیث معتبری می‌گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: من به زیارت پدر بزرگوارت

۱. منتهی الاعمال ۲/۹۴۲.

رفتم و ثوابش را به شما هدیه کردم، فرمود: «برای تو از جانب خدا اجر و ثواب عظیم و از جانب ما حمد و ثناست».^۱ در روایت دیگری می‌خوانیم که از امام سؤال کردند درباره کسی که دو رکعت نماز می‌خواند یا یک روز روزه می‌گیرد و یا حج یا عمره‌ای به جا می‌آورد یا رسول گرامی و یا یکی از ائمه علیهم‌السلام را زیارت می‌کند و ثواب آن را به پدر و مادر یا برادر دینی خود هدیه می‌کند، آیا برای خود او نیز ثوابی هست؟ فرمود: «ثواب آن عمل به «منوب عنه» (پدر یا مادر یا برادر دینی) می‌رسد بدون آن که چیزی از ثواب خودش کاسته شود!».^۲

بزرگان توصیه کرده‌اند منتظران، همه اعمال مستحبی خود را به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اهداء کند که دو اثر دارد: اول آنکه چون این اعمال ناقص ما قابل عرضه به محضر بلند و آن حضرت را ندارد، خداوند متعال آن عمل را برای اهداء به حضرت در سطح ایشان ارتقاء می‌دهد تا در شان آن امام قرار گیرد، پس اثر اول نیابتی، ارتقاء سطح کیفی عمل ما را در پی خواهد داشت و خداوند آن عمل را آنقدر بالا می‌برد تا در شان و مقام آن امام قرار بگیرد. دوم این که وقتی عمل را خدمت امام ارائه می‌دهند، حضرت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عنایت می‌فرمایند چه کسی این عمل را اهداء نموده و او را مورد توجه قرار می‌دهند و برای او دعا می‌فرمایند و این اثر معنوی غیر قابل توصیفی را برای نیابت کننده در پی خواهد داشت و ارتقاء معنوی خاصی را برای او به همراه خواهد آورد.

۱. بحار الأنوار ۶/۲۵۶/۹۹ ح ۳.

۲. همان ۳۱۱/۸۵ و ۳۱۳.

کارکرد این نیابت‌ها، فضای معنوی شخص منجی باور و جامعه او را دگرگون خواهد ساخت. اگر ما نامه‌ای و نیابتی از ناحیه امام زمان برای بارگاه امیرالمؤمنین، امام حسین، امام رضا و سایر ائمه علیهم‌السلام داشتیم، ملائکه استقبال می‌کنند که این فرد، نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و این عنوان نیابت یک شوکت و جلالتی به شما می‌دهد که تا قرب بارگاه الهی نیز شما را بالا می‌برند. به هر کدام از مشاهد مشرفه و عتبات و امام‌زادگان، حتی زیارت اهل قبور از علما و اخیار و ابرار و مؤمنین که می‌خواهی بروی به نیابت از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برو. فرض کن حضرت به تو پول داده‌اند و تو را مأمور کرده‌اند که این زیارت‌ها را انجام دهی. آن حضرت تو را به زیارت اهل قبور فرستاده‌اند تا یازده سوره توحید و هفت سوره قدر را به نیابت از آن حضرت برای اهل قبور بخوانی. این هدیه تو در شرف‌های سلطنتی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف گذاشته می‌شود و به ارواح آن‌ها می‌رسد. می‌خواهی صلوة رحم یا احسان کنی به نیابت از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف انجام بده. خلاصه، هر عمل مستحبتی که دارید به نیابت از آن حضرت انجام دهید. این حلوایی است که تا نخورید نمی‌دانید. اگر مزه‌اش را بچشید دیگرها نمی‌کنید. شیعیان سابق به نیابت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، نایب می‌گرفتند. خودشان اگر نمی‌توانستند بروند، پول می‌دادند و نایبی می‌گرفتند تا به نیابت آن حضرت، به حج یا زیارت بروند.

۳۵. شور حسینی

سالار شهیدان امام حسین علیه السلام تمام سرمایه وجودی خود را در راه اسلام ایثار کرد تا اسلام ناب بماند. اگر فداکاری، ایثار، شجاعت، و جانفشانی او در راه خدا نبود تاکنون هیچ نامی از دین مبین اسلام باقی نمی ماند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای پاسداشت ایثارگری های جد بزرگوارش، و احیای اسلام و ارزش های اسلامی و حسینی قیام خواهد فرمود. سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان سیره امام حسین علیه السلام است. برای شناخت انتظار و مهدویت، نخست باید امام حسین علیه السلام را شناخت و با آرمان های او آشنا شد. توأمانی ذکر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاد امام حسین علیه السلام، بیانگر آرمان ها، اهداف مشترک، انتقام خون مظلوم کربلا، سیره یکسان آن ها در مبارزه با مستکبران، مبارزه با بدعت ها، عدم ذلت پذیری و بیعت نکردن با طاغوت است. هدف منجی موعود از تأکید بر یاد جد مظلومش آن است که اهداف نا تمام او و همه انبیاء و امامان را به اتمام خواهد رساند، و عدالت و سنت نبوی را برقرار خواهد نمود.

شعار سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «یا لثارات الحسین» است و ایشان انتقام جدش حسین علیه السلام را از قاتلان آن ها خواهد گرفت. امام رضا علیه السلام می فرمایند: «قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و یاری اش کنند و شعار یاران او (اصحاب و انصار و سپاه حضرت حجت) «ای خونخواهان حسین» است»^۱.

۱. کمال الدین/۱۳۰.

زیارت ناحیه مقدسه، خون‌گریه و سوگنامه و مرثیه بلند حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الشَّرِيفِ بر مصائب و رنج‌های جدش ابا عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام در عاشورا است که ترسیم و توصیف لحظه‌های شهادت امام و غربت و مظلومیت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشد که معتبرترین، مستندترین و بلندترین مرثیه می‌باشد که از زبان معصوم منتقم و خونخواه سید الشهداء به ما رسیده است. زیارت عاشورا نیز از سوی امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام به شیعیان و شیفتگان تعلیم داده شده، مضامین والایی دارد از جمله در دو قسمت از آن، از خونخواهی حسین عَلَيْهِ السَّلَام در رکاب حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الشَّرِيفِ خبر می‌دهد: «ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» و «ان یرزقنی طلب ثاری امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم».

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام همچنین فرمود: یکدیگر را در روز عاشورا این‌گونه تعزیت دهید: «خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین عَلَيْهِ السَّلَام بزرگ گرداند و ما و شما را، از کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش، امام مهدی از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام، طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم». خود حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الشَّرِيفِ نیز در زنده نگه داشتن یاد عاشورا می‌کوشد، گواه آن زیارت ناحیه مقدسه است: «اگر روزگار زمان زندگی مرا از توبه تأخیر انداخت و یاری و نصرت تو در کربلا در روز عاشورا نصیب من نشد، اینک من هرآینه صبح و شام به یاد مصیبت‌های تو ندبه کرده و به جای اشک بر تو خون‌گریه می‌کنم...»

فریاد استنصار و طلب یاری حسین علیه السلام، هنوز هم از رواق تاریخ به گوش می‌رسد: «هل من ناصر ینصرنی؟ هل من ذاب ینذب عن حرم رسول الله؟» (آیا کسی هست مرا یاری کند؟ آیا کسی هست از حرم رسول خدا حمایت نماید؟). همین‌گونه فریاد استنصار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیز همواره بلند است. آیا کسی هست که مهدی آل محمد را یاری کند؟ آیا کسی هست عشق مرا در دل‌ها زنده کند؟ و انسان‌های بریده از مرا، با من پیوند زند؟ آری، شور حسینی، منجی خواهان را به یاد مظلومیت او به نوحه و گریه و عزا نشانده است و برای یاری فرزند مظلومش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میدان عمل می‌کشاند تا در روزگاران غیبت، برای احیای دین و آئین آن‌ها تلاش کنند و زمینه ظهور را فراهم نمایند و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را احیا نمایند. کارکرد شور حسینی در دل و عمل منجی باوران، پیوند عاشورا و ظهور است که پیوندی ناگسستنی است.

۳۶. احسان و نذر

احسان و نیکوکاری در تمام شرایع و ادیان الهی، مورد توجه قرار گرفته است زیرا کار نیک، از اضمحلال جوامع جلوگیری می‌کند و بستر مناسب را برای ادامه حیات جامعه ایجاد می‌نماید. شئون مختلف احسان و نیکوکاری و دستگیری از مردم، آثار فردی و اجتماعی و همچنین آثار فراگیر شدن آن به قدری اهمیت دارد که آیات و روایات بسیاری در حوزه معارف اسلامی و شیعی در این خصوص به چشم می‌خورد. خداوند می‌فرماید: «آنان که دارایی خویش را در شب و روز و آشکار و نهان انفاق می‌کنند، نزد خداوند پاداش دارند و هیچ حزن و هراسی بر آنان نخواهد بود».^۱ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلی کامل مهر و محبت به تمام موجودات و برترین اسوه احسان و نیکوکاری است، بدون شک، انسان‌هایی که خود را زمینه ساز ظهور حضرت می‌دانند می‌بایست خود را به صفات عالی حضرت و حکومت جهانی ایشان مزین کنند و دغدغه احسان و نیکوکاری داشته باشند.

انسان به مال علاقه دارد، از همین چیزی که علاقه دارد به دیگران انفاق کند؛ در قرآن کریم آمده: «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است».^۲ یعنی اگر انسان چیزی را که دیگر استفاده

۱. بقره: ۲۷۴.

۲. آل عمران: ۹۲.

نمی‌کند، صدقه دهد، ارزش چندانی ندارد بلکه اگر چیزی را که دوست دارد، صدقه دهد ارزشمند است و به وسعت روحی می‌رسد و در این صورت است که می‌تواند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط باشد. به دیگران احسان کنید و اگر خواستند تشکر کنند بگویید از امام زمان تشکر کن که من واسطه‌ای بیش نیستم و همه بر خوان گرم او مهمانیم. به نام صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کار خیر و بخشش مالی کنیم و بدین وسیله دل مردم را با امام شان، مهربان نماییم. بخشش مالی از مهم‌ترین کارها در پیوند دادن است.

بزرگان گفته‌اند: در راه حضرت، پول خرج کن چون دل انسان دنبال پول خویش است، و با این کار به حضرت علاقه‌مندتر می‌شوی. مثلاً برای حضرت، مجلس بگیر و افراد را پذیرایی کن و مهر ایشان را با بیان الطاف‌شان بر مردم، بیشتر کن یا مثلاً برای سلامتی حضرت صدقه بده. ایشان هم بشر است و محلّ وارد شدن بلا. خودشان هم برای خودشان صدقه می‌دهند. صدقه، رفع و دفع بلا می‌کند؛ هر روز شب برایشان صدقه بده؛ نگو حاجت به صدقه من ندارد. البته که او احتیاج به صدقه تو ندارد اما تو با این کار، خودت را در دربار خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقرب می‌کنی. سید بن طاووس - که مرد عجیبی بوده است - به فرزندش سید محمد می‌گوید: بابا جان، اگر می‌خواهی برای بچه‌هایت صدقه بدهی، اول برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صدقه بده؛ بعد برای بچه‌ها. اگر به سفر می‌روی، اول صدقه برای امام زمان و بعد برای خودت بده. بعد از دو سه ماه می‌بینی که جور دیگری شده‌ای؛ امام زمانی شده‌ای. محبت تو نسبت به آن حضرت محکم‌تر می‌شود.

پیوندت استوارتر می‌شود. شب و روزی بر تو نمی‌گذرد جز این‌که به فکر حضرت هستی. یک سال عمل کنی بعد خودتان چیزهایی خواهید فهمید.

موضوع دیگر نذر است، نذر برای گره‌گشایی از کارهایت به نام صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. نذرها، گره‌گشایی‌ها دارند به خصوص که به نیت امام زمان باشند. مثلاً کمک به فقرا با نذر قربانی برای سلامتی حضرت، نذر اطعام در مناسبت‌های مختلف مثل غدیر و نیمه شعبان و ... نذر کمک به قرض‌مندان و بیماران و یتیمان و بی‌سرپرستان و مهجوران و خلاصه هر چیزی که به رفع فقر در جامعه کمک می‌کند. اگر این کارها را به نیت امام انجام دهید، به خدا قسم، چیزهایی خواهید فهمید که اگر صد سال دیگر هم زنده باشید، آن را نمی‌فهمید. مُحال است شما کسی را دوست بدارید و با جدیت در طریق دوستی او عمل کنید؛ جز این‌که آن طرف هم به شما متوجه خواهد شد. مَحَبَّت از باب اضافه و از امور طرفینی است؛ یک سرش به این طرف و سر دیگری به آن طرف بسته است. اگر به یک محبوبی، مَحَبَّت پیدا کردید، آن محبوب هم مَحَبَّت شما خواهد شد و اندک اندک این دوستی، دو طرف را به هم می‌رساند. هر چه قدر هم که دوستی بالا برود، پیوند و اتصال محکم‌تر و بُعد و فاصله کمتر می‌شود. ایشان علاقه ندارد که فردی غصه پوشاک، نان و غذا داشته باشد لذا در دوران غیبت نیز منتظران باید در این مسیر حرکت کنند و در فرصت‌هایی موجب شادی دل حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف شوند.

۳۷. هم‌افزایی

منجی باوران، اهل تک‌روی و بی‌توجهی به فعالیت و خدمات دیگران نیستند. چون خود را پیرو و یاور امام می‌خواهند، با هر حرکت و اشخاصی که همین هدف را داشته باشند، همکار و همراه می‌دانند، لذا طرح دوستی و همکاری و مشارکت و هم‌افزایی را با دوستان و یاران امام، دنبال خواهند نمود. هر کار و هر حرکتی را که بخواهند شروع کنند، ابتدا بررسی می‌نمایند که چه کسانی، پیش‌تر از آن‌ها این کار یا حرکت را شروع کرده‌اند و چه تجربیات موفق یا ناموفقی داشته‌اند، سپس با این تحقیق، کار و حرکتی در ادامه همان‌ها یا با همراهی و مشارکت با آن‌ها، را شروع می‌نمایند. چه بسا خود کار جدیدی را شروع نکنند و به جمع آن‌ها خواهند پیوست؛ یا ایده‌های خود را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند تا آن‌ها به آن ایده‌های جدید، راه خود را قوی‌تر دنبال نمایند.

وقتی نیت‌ها همه‌الاهی باشد، همه خود را بنده خدای واحد و پیرو رهبر‌الاهی واحد که او تعیین نموده خواهند دانست و تلاش خواهند نمود تا در یک جهت و یک هدف راه بسپزند لذا همه استعدادها، توان‌ها، امکانات و نیروها را به هم اضافه می‌کنند تا راندمان فعالیت‌ها را بالا ببرند. قطره‌ها به هم خواهند پیوست تا دریا شوند نه آن که تنها شوند و در بیابان تبخیر و مستهلک گردند. گام اول برای هم‌افزایی،

اطلاع‌گیری و رصد فعالیت‌های همسوست. بسیار اتفاق افتاده مترجمی، ماه‌ها زحمت ترجمه کتابی مهدوی را می‌کشد درحالی‌که خبر ندارد این کتاب مدت‌ها قبل توسط مترجمی دیگر ترجمه شده است و اگر او اطلاع داشت، کتاب دیگری را برای ترجمه انتخاب می‌نمود تا انرژی‌ها، تلف نشود. در این زمینه مراکز رصد کارهای مختلف مهدوی اعم از امور فرهنگی یا خدماتی باید فعال شوند.

باید توجه داشت که هم‌افزایی و مشارکت، سعه صدر، صبر و تحمل لازم دارد؛ معمولاً سلیقه‌ها در انجام کارها، مختلف است و اختلاف و کدورت پیش می‌آورد که به جدایی یا دلخوری و گاهی به انشعاب می‌انجامد که خدای ناکرده به عداوت و دشمنی منتهی می‌شود که بزرگ‌ترین حربه شیطان است: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ» (همانا شیطان می‌خواهد بین شما دشمنی و کینه بیفکند). باید مواظب بود که شیطان در این مواقع، جمع‌ها را با بهانه‌های مختلف به اختلاف نکشد و متفرق و پریشان ننماید. «من»ها باید تبدیل به «ما» شود و این، سعه صدر و گذشت می‌طلبد. باید همه را رعیت صاحب‌الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و رعیت آن حضرت را دوست داشت و احترام گزارد و به نظر آن‌ها توجه نمود و با آن‌ها مشارکت و هم‌افزایی نمود.

امروز در جهان هشت میلیاردی، به خصوص در اقلیت‌های همفکر، ضرورت هم‌افزایی و مشارکت گروه‌های همسو، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و کارهای منفرد در غوغای فعالیت گروه‌های ملحد و رسانه‌های فسادپراکن و فضای

آلوده مجازی، گم می‌شود. حجم فعالیت‌های ضد مهدوی و فرقه‌های گمراه، آن‌چنان زیاد است که اگر هم‌افزایی نداشته باشیم، عقب می‌مانیم و متأسفانه گاهی با عدم هماهنگی، فعالیت هم‌دیگر را خنثی می‌کنیم. امام چنان‌که در نامه به شیخ مفید فرمود از منجی باوران «اجتماع قلوب» طلب نموده لذا باید منجی باوران با هم‌افزایی و تعاون و مشارکت، در این شرایط سخت جهانی، اجتماع قلوب برای مهدوی کردن فضا و محیط فرهنگی خود بلکه جهان را به نمایش گزارند و به یاری خدا به همین جهت هم رهسپار باشند.

۳۸. نظم و قانون

آیا منتظران می‌توانند بجز راه نظم و قانون را انتخاب کنند؟ طبیعی است که نه! میزان پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای به میزان امنیت به معنای عام آن، نظم و تفکیک حقوق و حدود و صلاحیت افراد و نهادها وابسته است و از این رو به حکم عقل باید نظم به عنوان زمینه پیشرفت و استقلال همه جانبه ترویج شود. ارزش‌ها و آرمان‌های مطلوبی مانند امنیت، عدالت، اخلاق، وحدت، پیشرفت و قانون‌گرایی تقریباً در همه جوامع وجود دارند که به دست آوردن و حفظ آن جز با برقراری نظم عمومی ممکن نیست. این ارزش‌ها همان‌گونه که برای همه جوامع به حکم عقل ضروری است برای جوامع منجی باور به حکم عقل و شرع هم ضروری است. فرقی نمی‌کند که فرد در کشور اسلامی زیست کند یا غیراسلامی؛ نمی‌تواند به فردی نظم‌گریز و قانون‌ستیز، شهره باشد.

ضرورت قانون‌گرایی در همه زمان‌ها و جوامع وجود داشته و در زمان ما که روابط اجتماعی به دلیل رشد علمی و تکنولوژیکی و همچنین شهرنشینی، رونق تجارت و گسترش آزادی‌های مدنی پیچیده‌تر شده، اهمیت وصف ناپذیری یافته است. پیوند حفظ نظم عمومی با قانون مندی چنان مستحکم است که هر کدام بدون دیگری ناممکن است. ضرورت حفظ نظام جامعه یک ضرورت عقلی و آشکار است و قانون‌مندی به عنوان بنیان و چارچوب این مهم ضرورتی آشکار می‌یابد. از این رو حفظ نظم عمومی باید مورد توجه

قانون‌گذاران قرار گیرد تا هم در تدوین قوانین مهم و اصلی ملاحظه شود و هم در تدوین آیین نامه‌ها و بخش نامه‌های اجرایی، که همچون مویرگ‌های نظام حقوقی، ارتباط سلول‌های جامعه را با قلب آن که حاکمیت است استوار می‌دارد

علاوه بر زیست اجتماعی به‌عنوان یک شهروند، در برنامه‌های فردی نیز همین نظم و قانون را باید برای خود قرار دهد: تنظیم اوقات روزانه بین عبادت و شغل و سلوک با خانواده و خدمات دینی و اجتماعی، رعایت قواعد درست در برخورد با همسایگان و دیگر شهروندان و همکاران، مسئولیت‌پذیری در خدمات اجتماعی به‌عنوان یک شهروند مفید و آگاه، توجه به رشد علمی و اجتماعی خود و فرزندان، می‌تواند چهره‌ای دوست داشتنی از منتظر را برای جامعه به نمایش گزارد که طبیعتاً موجب جذب و جلب انظار به عقیده منتظر می‌شود. یعنی منتظران منجی اگر شهره به نظم و قانون‌مداری و مهربانی و علم و پاکی باشند به‌طور غیر مستقیم، مبلغ ارزش‌های اعتقادی خود می‌شوند چنان که دگران‌یشانی از فرقه‌های ضاله، از همین طریق، افرادی را به کیش باطل خود در می‌آورند.

جامعه مورد چشمداشت منتظران در حکومت جهانی منجی، جامعه‌ای سرشار از نظم و قانون است. کسی که چنین جامعه‌ای را در چشم‌انداز خود دارد، نمی‌تواند در شرایط فعلی، بی‌توجه به آن باشد. جامعه عدالت‌محور مهدوی، جامعه‌ای است که تنها قانون‌الاهی حکومت

می‌کند و هیچ‌گونه بی‌نظمی فردی و اجتماعی را تحمل نمی‌نماید تا زیانش به افراد جامعه برسد. بر اثر رشد علمی و ایمانی، همه خدا محور شده‌اند و آلوده به شرک و ستم نیستند. امام از یاران خود پیمان می‌گیرد که جز بر مسیر الهی راه نسپزند و سراغ ستم و گناه و فساد نروند و با خلق خدا مهربان باشند، شیران روز در خدمت به مردم و عابدان شب در عبودیت و تقوی باشند و دین آگاه و علم پرور و خداترس و امام محور، چشم به مولای عدالت‌گستر خود داشته باشند و فرمان او را مجری دارند و افق‌های جامعه‌ای نوین را بگشایند. کارکرد آن باور در زندگی‌شان این‌گونه خواهد بود.

۳۹. رسانه‌شناسی

منجی باوران به فطانت دریافته‌اند که جز با رسانه نمی‌توانند صدای نجات جهان را از طریق منجی عدالت‌گستر، به گوش جهانیان برسانند. یعنی اصولاً اگر بخواهید توسط مردم دیده یا شنیده شوید جز با رسانه نمی‌توانید به هدف خود برسید. این رسانه است که شما را تکثیر می‌کند و پیام شما را فراگیر می‌نماید. امروز جایگاه رسانه به جایی رسیده است که اتفاقی در یک دهکده را ظرف چند ثانیه، به گوش جهانیان می‌رساند و حتی می‌تواند نظر مردم جهان را در مورد آن حادثه بگیرد و در اختیار دیگران گزارد؛ می‌تواند به حادثه‌ای دامن بزند یا از وقوع حادثه‌ای پیش از انجام آن، جلوگیری نماید. امروز هر گوشی تلفن همراه در دست هر کسی، یک رسانه است که هم دریافت‌کننده است و هم ارسال‌کننده، و از این طریق، فرد را از طریق نت به شبکه جهانی اطلاعات متصل نماید.

البته رسانه‌های مقتدر جهان توسط قدرت‌های سیاسی جهان ایجاد و کنترل می‌شوند و آن قدرت‌ها، از طریق این رسانه‌ها، دیدگاه‌ها و اهداف خود را دنبال می‌کنند و بر افکار عمومی جهان حکومت می‌نمایند که به آن مافیای رسانه‌ای هم گفته می‌شود. به همین خاطر باید رسانه را شناخت و از کارکردهای آن مطلع شد و افرادی که پشت این رسانه‌ها هستند و به آن‌ها خوراک می‌دهند تا بر افکار عمومی حاکم شوند را شناخت و سپس از ظرفیت آن برای اهداف فرهنگی

خود بهره گرفت. البته در برابر مافیای جهانی رسانه‌ها، جریان‌های فرهنگی پاک، محدودیت‌های بسیار دارند اما با همین توان اندک، به خصوص در فضای مجازی می‌توان به توفیقات بسیاری دست پیدا کرد و موج ایجاد نمود چنان‌که به یاری حق، امروز صدای حق را می‌توان به گوش بسیاری از مردم جهان، رساند و به خصوص در مورد منجی جهان با دیگران گفتگو و هم‌افزایی و فرهنگ سازی نمود.

مهم‌ترین عامل در کار رسانه‌ای، «پیام» است. پس از انتخاب پیام مناسب، نوبت به پردازش هنری آن با تخصص در هنرهای فنی، بیانی، نگارشی، نمایشی و گرافیکی می‌رسد. کوتاهی، گویایی و رسایی پیام بسیار مهم است. باید ظرف یکی دو دقیقه، پیام، بر جان مخاطب بنشیند و فکر او را درگیر کند، چنین است که می‌تواند چون سیل، از طریق گوشی‌های همراه، جاری شود و مرزها را درنوردد به طوری که مخاطب خود، جزئی از همین رسانه می‌شود و آن پیام را برای ده‌ها و صدها نفر از دوستان و هم‌گروه‌های خود ارسال نماید و میلیون‌ها نفر ظرف زمان بسیار کوتاهی در جریان آن پیام قرار گیرند. منجی باوران که حامل زیباترین و پاک‌ترین پیام‌ها برای جهانیان هستند باید از ظرفیت آن برای رساندن هنری این پیام‌ها به انواع مخاطبان، بهترین استفاده را بنمایند.

اهتمام به رسانه فراگیر به ویژه فضای مجازی اگر بدون کارشناسان فنی، اعتقادی و هنری انجام پذیرد، خسارت بار خواهد بود و تأثیر معکوس خواهد داشت. توصیه به منتظران،

رعایت این تخصص‌ها و مدیریت فضاهاى مجازى در حد امکان است. به لطف الاهی و عنایات مهدوی، حرکت‌های خوبی آغاز شده و نیروهای خوبی در گوشه و کنار به این خدمت، همت گماشته‌اند اگرچه کافی و وافی نیست اما این آغاز راه است و شور مهدوی را باید در شاه‌رگ مردم از طریق همین رسانه‌های در دسترس، جاری نمود و با پیام‌های مناسب، دل آن‌ها را با امام مهربان، پیوند زد و آن‌ها را مهدی باور و سپس مهدی باور ساخت تا زمینه برای ظهور آن منجی عدالت گستر و برپای ی آن «دولت کریمه» فراهم گردد که همه دوستدار اقامه و دیدار آن روز شیرین تراز عسل هستند.

بگذرد این روزگار تلخ تراز زهر

بار دگر روزگار چون عسل آید

۴۰. رفاقت با امام

امام را رفیق، دوست شفیق، انیس و مونس، پدری مهربان، مادری دلسوز، برادری همراه و... خوانده‌اند، چنان‌که در حدیث امام رضا علیه السلام آمده است^۱. کجا می‌توان چنین کسی را با این ویژگی‌ها، به جز امام، پیدا نمود تا به او همراه و رفیق شد؟! امام معصوم، بدون کمترین هزینه دارای همه این ویژگی‌هاست: در دوستی‌اش با اخلاص است، مهربان است چون مهربانی خدا، دلسوز است، در دسترس است و می‌توان با او سخن گفت و نجوا کرد، کمک و یاور است و در سختی‌ها می‌توان از او یاری خواست و در کنار او آرام گرفت و امنیت یافت. او هدیه گرانبهایی است که خداوند به ما هدیه نموده است تا از مواهبش بهره‌مند شویم؛ او خلیفه خدا، دست توانای خدا، ره‌نما و هدایتگر، انیس و مونس تنهایی‌ها و رفیق شفیق ماست. چه ببینیمش و چه نبینیمش، با ماست و چون پدری مهربان که چه در سفر باشد یا در حضر، در فکر ماست و امور ما را مدیریت می‌کند به شرطی که از او جدا نشویم و از او بنیوشیم و پیروش باشیم.

جهات رفاقت با منجی عدالت گستر، چیست تا شرط رفاقت، محقق گردد؟ اولین شرط، صداقت و یکرنگی است؛ رفیق با رفیق خود، یک چهره دارد و صافی و یکرنگ است، ظاهر و باطنش یکی است و آنچه بگوید، جز راست نمی‌گوید؛ زنگار دورویی و عدم اخلاص نباید بر صفحه دل رفیق باشد

۱. الکافی، کتاب الحجّه ۱/۲۰۰.

وگرنه دوستی، راست نمی‌آید؛ باید با امام و منجی صادق و یکرنگ بود. دوم، باید به صفات خوب رفیق، متصف بود؛ اگر رفیق به صفت پاکی و صلاح و احسان و مهربانی است، رفیق هم باید تلاش کند به این زیورها آراسته شود که کبوتران با کبوتران پرواز کنند و راستان با راستان همنشین شوند و خوبان با خوبان همراه گردند. سوم، رفق و مدارا، شیوه رفاقت است، مهربانی و نرمی و نه غلیظ و شدید بودن، صفت رفیقان است که عدم رفق و غلظت و شدت، افراد را می‌پراکند چنان‌که خداوند به پیامبر ﷺ فرمود: «اگر تندخو و شدیدالقلب بودی، مردم از کنار تو پراکنده می‌شدند»^۱.

چهارم، حفظ و مراقبت و پشتیبانی از رفیق در حضور و عدم حضور اوست؛ حمایت از رفیق و جلوگیری از هتک آبرو یا مقام یا حفظ مال و دارایی او به خصوص در غیاب او به عهده رفیق است. رفیق، اهانت و ستم به رفیق را بر نمی‌تابد و تا آنجا که بتواند از او حمایت و پشتیبانی می‌نماید. مهدی باوران، در غیبت رفیق خود، این چنین از او پشتیبانی می‌نمایند و پاس حریمش را می‌دارند. بدگویانش را پاسخ و نا آگاهان را با صفات و ملکات کریمانه‌اش آشنا و از داشته‌های او مراقبت می‌نمایند و از تعرض به مقامش جلوگیری و انتسابات واهی به او را دفع می‌کنند و دشمنانش را منکوب و رسوا می‌سازند. پنجم، دوست می‌دارند نام رفیق خود را بلندآوازه کنند زیرا می‌دانند که اگر او را معرفی کنند، بر رفیقانش افزوده خواهد شد؛ لذا در هر فرصتی از او می‌گویند و

می نویسند و مجالس برای معرفی او برپا می کنند تا با شناخت او، دیگران را نیز رفیق او گردانند.

حال اگر رفیقی این چنین صادق و مهربان و کوشا باشد، رفیق او با او چگونه خواهد بود؟ به ویژه که آن رفیق، حجت خدا و امام پاکی ها و خوبی ها و مولای کریم و رحیمی چون امام صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؟! آیا آن بزرگوار، از شروط رفاقت، کم می گزارد و رفیق خود را در نظر نمی گیرد و هوای او را نخواهد داشت؟ هرگز! هرگز! امام، مظهر رفیق و مهربانی و رأفت و انس نامتناهی الهی است که فوق همه تصورات ماست؛ چگونه رفیق خود را در نظر نداشته باشد و او را حمایت و پشتیبانی نفرماید؟ خداوند در صفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حریص علیکم بالمؤمنین رئوف رحیم»^۱ او با مهربانی و محبت، نسبت به نجات شما، حرص و پافشاری و اهتمام دارد. امام نیز چون نیای گرامیش بیش از حد معمول رفیقانش را می نوازد و نسبت به آنها رئوف و مهربان و دلسوز است. چنان، کارگزاران صادقش و رفیقان همراهش را در روزگاران غیبت می نوازد که موجب شگفتی آنها می شود که بهترین رفیقش می نامند چنان که آیه «حَسَنَ اولئک رفیقاً» نیز به آن جناب، تأویل شده است.^۲

۱. توبه: ۱۲۸.

۲. شواهد التنزیل ج ۱ ذیل آیه ۶۹ نساء.